

اماکن زیارتی (۴)

منتسب به امام زمان (عج)

در ایران و جهان

(گوفه)



روز ۱۲ رجب ۳۶ هـ امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) وارد کوفه شده، آنجا را به عنوان پایتخت دولت علوی برگزید، و به زودی فرزند برومندش حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) به فرمان حق ظاهر شده، با اصحاب و فرشتگان و مؤمنان از مکه مکرمه حرکت نموده، کوفه را به عنوان پایتخت حکومت جهانی خود انتخاب می‌کند، همه مؤمنان از اقطار و اکناف جهان در آن جا گرد می‌آیند و آنجا به مدت ۳۰۹ سال پایتخت دولت مهدوی (عج)، سپس پایتخت دولت خاندان عصمت و طهارت در دوران رجعت می‌شود.
روایات فراوانی در قداست و فضیلت کوفه وارده شده، که با برخی از آنها در این نوشتار آشنا می‌شویم.

پایتخت دولت کریمه

دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم در دوا و درد آلود است سراسر درد و اندوه است و آینده‌ای که در برابر دیدگانمان ترسیم می‌شود، تاریکه ابهام‌آمیز و یلس آور است.

انسان‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند و می‌روند و التهاب سوزان این «فردای بهتر» را با خود به گور می‌برند، لکن روزی دیگر، انسانی دیگر از راه می‌رسد و این امید بی‌پایان را از نو آغاز می‌کند.

این انتظار و امید به نوار خاصی از زمان و مقطع خاصی از دوران محدود نمی‌باشد، بلکه همه انسان‌ها، در همه اعصار و امصار، در تب و تاب این انتظار سوخته و می‌سوزند، تا روزی آن دست نیرومند الهی از آستین غیبت بیرون آید و آرزوی دیرینه جامعه بشری را برآورده و رؤیاهای طلایی افلاطون را جامعه عمل پوشانده، جامعه‌ای برتر از «مدینه فاضله» در پهن دشت جهان هستی، بر اساس عدالت و آزادی بنیاد نهد.

اگر نقاش‌های چیره دست روزگار دور هم نشینند و تابلویی به پهنای فلک ترسیم نمایند، هرگز نتوانند که فرازهای برجسته جهان پرفروغ عصر ظهور را منعکس نمایند، که سیمای دل‌ربای آن جمال الهی در آئینه بشری منعکس نشود.

ما نیز در این سطور در پی آن نیستیم که دورنمای حکومت واحد جهانی آن امام نور را در این نوشتار منعکس نماییم، بلکه می‌خواهیم با اقتباس از سخنان نغز و پرمغز پیشوایان معصوم (علیهم السلام) گامی هر چند کوتاه، در ارایه سیمای تابناک «پایتخت دولت کریمه» برداشته، در محضر خوانندگان دل‌آگاه، در کوچه و بازار شهر باستانی «کوفه» به گشت و گذار بپردازیم.

فرمان ظهور

در شب ۲۳ ماه رمضان، که مصادف با شب آدینه است، پیک وحی، حضرت جبرئیل امین، بین زمین و

آسمان، فرمان ظهور آن واپسین امام نور را با نام و نام پدرش (امام حسن عسکری) به جهانیان اعلام می‌دارد.

این آوای روح بخش در سرتاسر گیتی از شرق و غرب عالم به گوش همه انسان‌ها می‌رسد. هیچ خفته‌ای نمی‌ماند جز این که بیدار می‌شود، هیچ نشسته‌ای نمی‌ماند، جز این که بر می‌خیزد و هیچ ایستاده‌ای نمی‌ماند جز این که به حرکت درمی‌آید.^۱

جالب است که این بانگ آسمانی را هر کسی به زبان مادری خود می‌شنود.^۲ نخستین نغمه‌ای که گوش جان را نوازش می‌دهد، این نغمه است که توسط یوسف زهرا در سرتاسر جهان شنیده می‌شود:

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ أَنْ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۳

بقیه الله برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید.

آنگاه آن آخرین بازمانده از حجت‌های پروردگار، در حالی که بر خانه خدا تکیه نموده، خطاب به همه انسانها می‌فرماید:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ^۴

اینک بقیه الله، خلیفه الله و حجت خدا بر شما منم.

آنگاه ۳۱۳ تن اصحاب خاص حضرت بقیه الله (عج) که فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت می‌باشند، در خدمت آن حضرت گرد می‌آیند. در دست هر یک از آنها شمشیری است که نام، نام پدر، سیرت، حسب و نسب صاحب‌اش بر آن نبشته شده است.^۵

نخست جبرئیل امین دست آن حضرت را به عنوان «بیعت» می‌فشارد، آنگاه اصحاب خاص، که ۳۱۳ تن به تعداد اصحاب بدر هستند، با آن حضرت بیعت می‌کنند.^۶

یک بار دیگر بانگ جبرئیل در فضا طنین انداز

● **قبة الاسلام كوفه به تاريخ**
۱۲ رجب ۳۶ هـ با ورود مولای
متقیان امیر مؤمنان (صلوات
الله علیه) به عنوان پایتخت
حکومت علوی در آمد
پس از شهادت آن حضرت، در
حدود شش ماه، پایتخت
حکومت امام حسن مجتبی (ع)
بود و اینک در انتظار ظهور آن
امام نور است

می شود که: «البيعة لله»^۷

سه روز در مکه اقامت می کند، از مردم بیعت می گیرد، روز چهارم به استار کعبه آویخته، از خداوند منان طلب یاری نموده، به سوی مدینه منوره حرکت می کند.^۸

با ده هزار لشکر مجهز و منظم وارد مدینه شده، اصلاحات خود را آغاز نموده، مردم ستم دیده و رنج کشیده جهان که در زیر فشار جنگ، ستم، تحقیر و تبعیض به ستوه آمده اند، با دمیدن فجر امید و دیدن روزنه رهایی، سیل آسا به سوی آن مصلح غیبی می شتابند و دست بیعت به دست با کفایت یداللهی اش می دهند.

اگر چه آن مصلح آسمانی از سلاح های کشتار جمعی استفاده نمی کند، ولی با رعبی که خداوند از او بر دل جهانیان می اندازد، بر همه قدرتهای اهریمنی جهان فایق آمده، فتنه ها و شورش ها را از ریشه و بن برانداخته، پرچم همیشه پیروز را بر افراشته، به سوی مرکز حکومت حقه، قبة الاسلام کوفه حرکت می کند. ابزار و ادوات جنگی آن امام نور در هنگامه ظهور سه سپاه نیرومند است:



۱. فرشته هایی که روز بدر به یاری پیامبر شتافتند.^۹
 ۲. انصار با ایمان و یاران با اخلاصی که با عزمی آهنین و اراده ای فولادین از آن حضرت حمایت می کنند.^{۱۰}
 ۳. رعبی که خداوند از آن حضرت بر دل دشمنان می اندازد، این رعب مسافت یک ماه را از جلو، راست و چپ فرا می گیرد.^{۱۱}

پیشینه پایتختی کوفه

قبة الاسلام کوفه به تاریخ ۱۲ رجب ۳۶ هـ با ورود مولای متقیان امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) به عنوان پایتخت حکومت علوی در آمد^{۱۲} پس از شهادت آن حضرت، در حدود شش ماه،^{۱۳} پایتخت حکومت امام حسن مجتبی (ع) بود و اینک در انتظار ظهور آن امام نور است، تا یک بار دیگر تداوم بخش حکومت عدل علوی، بر سریر عدالت تکیه داده، جهان را پر از عدل و داد کند، طومار عمر ستمگران را در نوردد، حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی بنیان نهد.

پایتخت دولت کریمه

از پیشوای به حق ناطق، امام جعفر صادق (ع) پرسیدند: محل اقامت حضرت مهدی (عج) و محل اجتماع مؤمنان در هنگامه ظهور کجا خواهد بود؟ فرمود:

دارُ مَلِكَةِ الْكُوفَةِ، وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا، وَبَيْتُ مَالِهِ وَ مَقَسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ سَهْلَةَ، وَ مَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الذِّكْوَاتُ الْبَيْضُ مِنَ الْغَرِيِّينَ^{۱۴}

مرکز حکومت اش «کوفه»، مرکز قضاوت و دادرسی اش مسجد اعظم کوفه، بیت المال و محل تقسیم غنائم مسلمانان مسجد سهله، محل مناجات و خلوت اش تپه های سپید غریین (نجف اشرف) می باشد. امام صادق (ع) پس از تشریح هنگامه ظهور و

بیعت مردمان از اقطار و اکناف جهان، می فرماید:

ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْزِلُ عَلَى نَجْفِهَا، ثُمَّ يَفْرُقُ
الْجُنُودَ مِنْهَا إِلَى الْأَمْصَارِ لِدَفْعِ عُمَّالِ الدِّجَالِ، فَيَمْلَأُ
الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛^{۱۵}
آنگاه به سوی کوفه می رود و در نجف کوفه
سکنی می گزیند، سپس سپاهیان اش را از آنجا
به اقطار و اکناف جهان گسیل می دارد تا به
دفع عمال دجال بپردازند. پس زمین را بر از
عدل و داد نماید، آن گونه که پر از ظلم و ستم
شده باشد.

امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید:

كَانَتْ بِالْقَائِمِ (ع) عَلَى نَجَفِ الْكُوفَةِ قَدَسًا رَافِعًا
مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، جِبْرَائِيلُ
عَنْ يَمِينِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ، وَالْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ
يَدَيْهِ، وَهُوَ يَفْرُقُ الْجُنُودَ فِي الْبِلَادِ؛^{۱۶}

گویی قائم (ع) را به چشم خود می بینم که با
پنج هزار فرشته، از مکه به سوی نجف کوفه
رفته، جبرئیل در طرف راست و میکائیل در
طرف چپ و مؤمنان در پیش روی آن
حضرت قرار دارند، از آن جا سپاهیان اش را به
سوی کشورها گسیل می دارد.

و در حدیث دیگری فرمود:

يَدْخُلُ الْكُوفَةَ وَفِيهَا ثَلَاثُ رَايَاتٍ قَدْ اضْطَرَبَتْ،
فَتَصْفُوهُ وَيَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمِنْبَرَ فَيَخْطُبُ، فَلَا
يَدْرِى النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ؛^{۱۷}

در حالی که سه پرچم در کوفه به شدت درگیر
است، او وارد کوفه می شود، پس کوفه برای او
مسخر می شود، او وارد کوفه شده بر فراز
منبر اش قرار گرفته، به ایراد خطبه می پردازد،
مردم آن قدر اشک شوق می ریزند که متوجه
سخنان او نمی شوند.

امیر مؤمنان در ضمن یک حدیث طولانی

می فرماید:

ثُمَّ يَقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزِلَهُ بِهَا؛^{۱۸}
آنگاه به سوی کوفه روی می آورد و
اقامتگاه اش را در آنجا قرار می دهد.

و در فراز دیگری از این حدیث می فرماید:

يَسْكُنُ هُوَ وَاهْلُ بَيْتِهِ الرَّحْبَةَ؛^{۱۹}
او و اهلیت اش در «رحبه» سکونت می کنند.^{۲۰}

و در پایان می افزاید:

و الرَّحْبَةُ أَمَا كَانَتْ مَسْكَنَ نُوحٍ (ع) وَهِيَ أَرْضٌ
طَيِّبَةٌ وَلا يَسْكُنُ رَجُلٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ) وَلا يُقْتَلُ إِلَّا بِأَرْضِ طَيِّبَةٍ زَاكِيَةٍ، فَهَمَّ
الْأَوْصِيَاءُ الطَّيِّبُونَ؛^{۲۱}

«رحبه» اقامتگاه حضرت نوح «علیه السلام»
بود. آنجا سرزمین پاکیزه ای است و هرگز هیچ
یک از آل محمد (علیهم السلام) جز در یک
سرزمین مقدس سکنی نمی کند، و جز در یک
سرزمین پاک و پاکیزه به شهادت نمی رسد.

از امام باقر (ع) پرسیدند: پس از مکه و مدینه
کدامین بقعه از بقاع پروردگار افضل است؟ فرمود:
«کوفه» سپس در ضمن شمارش ویژگی های کوفه

● امام باقر (ع): گویی قائم (ع)

را به چشم خود می بینم که با
پنج هزار فرشته، از مکه به
سوی نجف کوفه رفته، جبرئیل
در طرف راست و میکائیل در
طرف چپ و مؤمنان در پیش
روی آن حضرت قرار دارند، از
آن جا سپاهیان اش را به سوی
کشورها گسیل می دارد.

فرمود:

و فِيهَا يَظْهَرُ عَدْلُ اللَّهِ، وَ فِيهَا يَكُونُ قَائِمُهُ، وَالْقَوَامُ
مِنْ بَعْدِهِ، وَ هِيَ تَكُونُ مَنَازِلَ النَّبِيِّينَ وَالْأَوْصِيَاءِ وَ
الصَّالِحِينَ؛^{۲۲}

عدالت خداوند در آنجا ظاهر می شود، و
قائم (عج) و دیگر قائمان. قیام کنندگان به
قسط. که پس از او می آیند، در آن جاساکن
می شوند.

آن جا اقامتگاه انبیاء، اوصیا و صالحان خواهد
بود.

منظور از «قائم بعد از او» احتمالاً پیشوایان
هدایت گر بعد از آن حضرت می باشند، چنانکه شیخ
مفید فرموده:

«بعد از حضرت قائم «علیه السلام» برای
احدی فرمانروایی نیست، به جز آنچه در
روایات آمده که فرزندان اش به آن امر قیام
می کنند، اگر خداوند بخواهد».^{۲۳}
سید مرتضی علم الهدی نیز در این رابطه
می فرماید:

«ممکن است پس از آن حضرت
پیشوایانی باشند که برای حفظ دین و حراست
از مصالح مسلمین قیام کنند، و این موضوع
موجب نمی شود که ما از دوازده امامی بودن
بیرون برویم، زیرا ما به شناخت ۱۲ امام معصوم
مکلف هستیم...».^{۲۴}

شیخ صدوق در این رابطه حدیثی نقل کرده که
ابهام حدیث فوق را از بین می برد:
ابوبصیر گوید: به محضر امام صادق (ع) عرضه
داشتیم: من از پدر بزرگوارتان شنیدم که فرمود:

يَكُونُ بَعْدَ الْقَائِمِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا،
بعد از قائم (ع) دوازده هدایت گر خواهد بود.

امام فرمود:

انما قال: اثنا عشر مهدياً ولم يقل: اثنا عشر اماماً؛
او فرمود که دوازده «هدایتگر» و نفرمود:
دوازده امام.

سپس فرمود:

آنها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم
را به موالات و شناخت حق ما دعوت
می کنند.^{۲۵}

شیخ طوسی حدیث دیگری از امام باقر (ع) روایت
کرده که در فرازی از آن می فرماید:

يا ابا حمزة ان منّا بعد القائم احد عشر مهدياً من
وُلد الحسين عليه السلام؛^{۲۶}

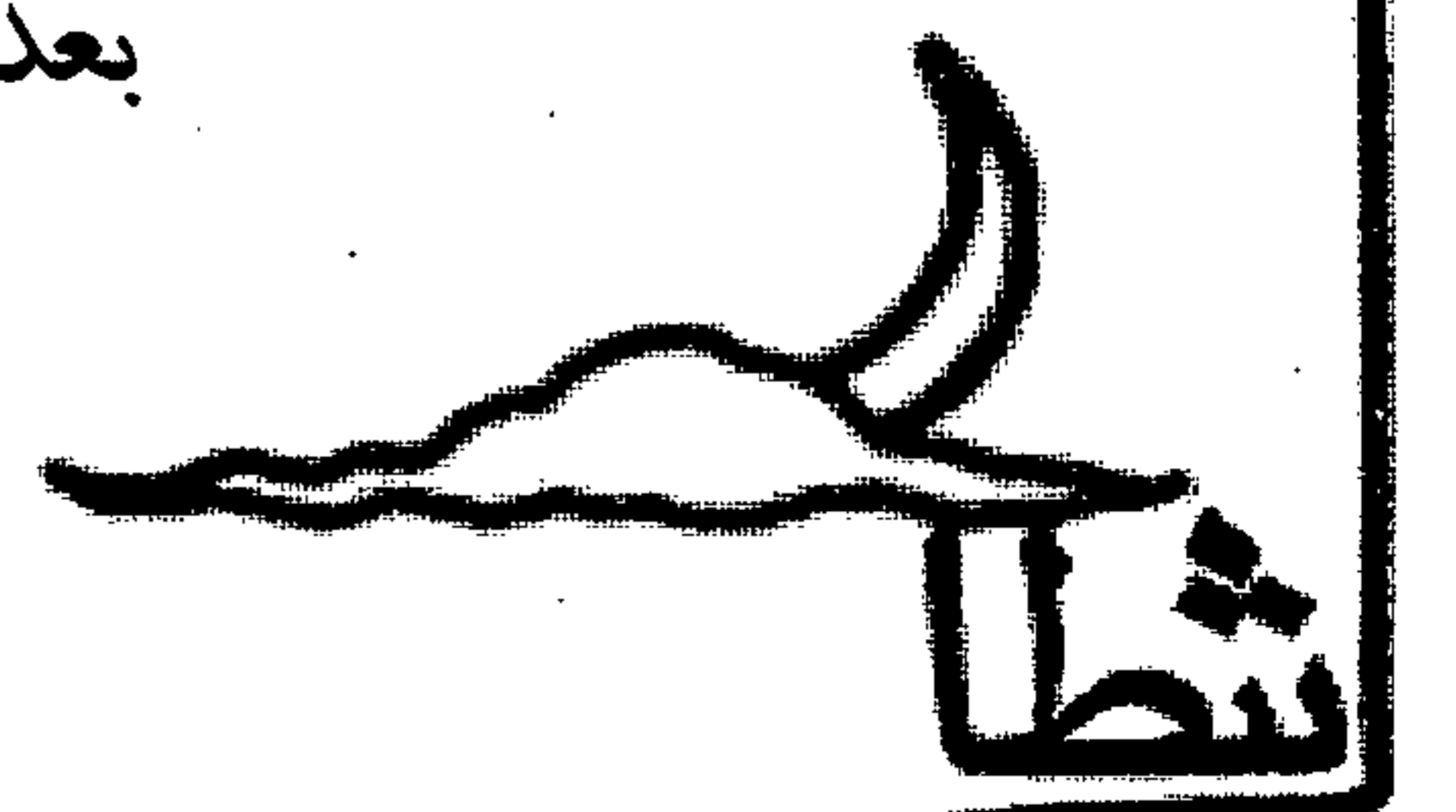
ای ابا حمزه بعد از قائم علیه السلام از مایزده
هدایتگر از نسل حسین (علیه السلام) خواهد
بود.

در این رابطه شیخ حرّ عاملی به تفصیل سخن
گفته،^{۲۷} نگارنده نیز در زمینه روایات وارده پیرامون
فرزندان حضرت ولی عصر (عج) به تفصیل سخن
گفته است.^{۲۸}

اما جمله: «و هِيَ تَكُونُ مَنَازِلَ النَّبِيِّينَ...» آنجا
اقامتگاه پیامبران، اوصیای پیامبران و صالحان خواهد
شد» در حدیث سابق، پس آن اشاره به عالم رجعت
است.

آیات فراوانی از قرآن به رجعت تفسیر شده
احادیث فراوانی از پیشوایان معصوم رسیده، که
بی گمان بیش از حدّ تواتر است،^{۲۹} بلکه به تعبیر شیخ
حرّ عاملی جزو ضروریات مذهب شیعه می باشد.^{۳۰} و
همه علمای شیعه بر آن اتفاق نظر دارند و به اصطلاح
مسأله اجماعی می باشد.^{۳۱}

بر اساس روایات فراوانی که در ذیل آیه ۸۱ از
سوره آل عمران وارد شده، همه پیامبران رجعت
می کنند و تحت فرمان امیر مؤمنان (صلوات الله



علیه) قرار می گیرند.^{۳۲}

در روایات دیگری از اوصیای پیامبران، از جمله «یوشع بن نون» به صراحت نام برده شده که رجعت می کنند و از یاران حضرت صاحب الزمان می باشند.^{۳۳} در این روایات از سلمان، مقداد، جابر بن عبدالله، مالک اشتر، اصحاب کهف و جمعی دیگر از صالحان به صراحت یاد شده و تصریح شده که رجعت خواهند نمود.^{۳۴} در حدیثی مفضل بن عمر از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود:

اِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ اسْتَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ الْكَوْفَةِ سَبْعَةَ وَ عَشْرِينَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى (ع)، الَّذِينَ يَقْضُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ، وَ سَبْعَةً مِنْ اصْحَابِ الْكَهْفِ، وَ يَوْشَعَ وَصِيَّ مُوسَى، وَ مُؤْمِنِ آلِ فِرْعَوْنَ، وَ سُلَيْمَانَ الْفَارِسِيِّ، وَ اَبَادِجَانَ الْاَنْصَارِيِّ وَ مَالِكَ الْاَشْتَرِيِّ؛^{۳۵}

چون قائم آل محمد (ع) قیام کند ۲۷ نفر را از پشت کوفه بیرون می آورد: ۱۵ تن از قوم حضرت موسی (ع) که به حق داور می کردند و به حق، عدالت را رعایت می نمودند. ۷ تن اصحاب کهف؛ یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، و مالک اشتر.

روی این بیان قبّه الاسلام کوفه در حدود شش سال در عهد امیرمؤمنان (ع) پایتخت دولت حقه بود، و در حدود شش ماه در عهد خلافت ظاهری امام حسن مجتبی (ع) پایتخت خلافت اسلامی بود و به مدت ۳۰۹ سال پایتخت حکومت و مقر فرماندهی حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - خواهد بود.

پایتخت دولت کریمه خاندان وحی در هنگامه رجعت

از روایات رجعت استفاده می شود که پایتخت دولت کریمه خاندان وحی در دوران رجعت نیز شهر

کوفه خواهد بود و اینکه به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

مفضل در ضمن یک حدیث بسیار طولانی از امام صادق (ع) در زمینه رجعت سالار شهیدان نقل می کند که فرمود:

ثُمَّ يَسِيرُ بَتَلَكِ الرِّيَاةِ كَلِّهَا حَتَّى يَرِدَ الْكَوْفَةَ وَ قَدْ جَمَعَ بِهَا أَكْثَرَ اَهْلِهَا، فَيَجْعَلُهَا لَهُ مَعْقَلًا؛^{۳۶}

امام حسین (ع) با این علم ها و لشکرها حرکت نموده، وارد کوفه می شود، آن روز بیشتر مردمان در آن جا گرد آمده اند، پس کوفه را سوراخ دفاعی و مرکز فرماندهی خود قرار می دهد.

امام حسین (ع) در شب عاشورا در ضمن خطبه مفصلی از شهادت خود خبر داده، سپس از رجعت خویش گفت گو نموده، در فرازی از آن فرمود:

فَاكُونُ اَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ الْاَرْضَ عَنْهُ، فَاُخْرَجُ...؛

من نخستین کسی خواهم بود که زمین برای اش شکافته می شود، پس من بیرون می آیم...

و در ادامه می فرمایند:

ثُمَّ اِنَّ اللّٰهَ يُخْرِجُ مِنْ مَسْجِدِ الْكَوْفَةِ عَيْنًا مِنْ دَهْنٍ وَ عَيْنًا مِنْ مَاءٍ وَ عَيْنًا مِنْ لَبَنٍ.^{۳۷}

آنگاه خداوند از مسجد کوفه چشمه ای از روغن، چشمه ای از آب و چشمه ای از شیر بیرون می آورد.

از این خطبه امام حسین (ع) نیز استفاده می شود که پایتخت آن حضرت در عهد رجعت در کوفه خواهد بود.

در حدیث دیگری از رجعت های مختلف امیر مؤمنان، از جمله در عهد فرمانروایی امام حسین (ع) و دیدارش با اصحاب صفین در همان محل صفین، و حضور یکصد هزار نفر از اصحاب، که سی هزار

● به دنبال صلاح دید سلمان و حذیفه، اهالی مداین، از محرم هفده هـ. دسته دسته به سوی کوفه کوچ کردند و قبایل دیگر از اقطار و اکناف در کوفه گرد آمدند و شهرسازی کوفه به صورت مدرن آغاز گردید.

نفرشان از کوفه می‌باشند، سخن رفته است.^{۳۸}
و در حدیث دیگری از فرا رسیدن مهلت ابلیس
«الْيَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^{۳۹} و نبرد امیر مؤمنان (صلوات
الله علیه) با وی در سرزمین «روحا»^{۴۰} در نزدیکی
کوفه، و پیدایش دو باغ سرسبز «جنتان مدهامتان»^{۴۱}
در حوالی مسجد کوفه سخن رفته است.^{۴۲}
پایتخت امیر مؤمنان (ع) در دوران رجعت، نجف
اشرف (ظهر کوفه) خواهد بود.^{۴۳}

گستره پایتخت دولت کریمه

از ویژگیهای «کوفه» این پایتخت دولت کریمه
اهلیت گستره زمانی و مکانی آن است که تا کنون
هیچ پایتختی در جهان از چنین گسترش و وسعت
زمانی و مکانی برخوردار نبوده است.
اما از نظر گستره زمانی، بر اساس روایات اهلیت
عمر دنیا یکصد هزار سال است، که بیست هزار سال
آن مربوط به دشمنان اهلیت و هشتاد هزار سال آن
مربوط به خاندان عصمت و طهارت است.^{۴۴}
اهل تحقیق معتقد هستند که منظور از این حدیث
بیان نسبت حکومت حقه اهلیت در مقایسه با کل
عمر کره زمین است، یعنی هشتاد درصد از کل عمر
جهان مربوط به این خاندان و بیست درصد دیگر
مربوط به دیگران است.

روایاتی که مدت رجعت رسول اکرم (ص) را پنجاه
هزار سال،^{۴۵} امیر مؤمنان (ع) را چهل و چهار هزار
سال،^{۴۶} و امام حسین (ع) را چهل هزار سال تعیین
می‌کنند،^{۴۷} گواه بیان فوق می‌باشند.

آیا به جز کوفه پایتختی سراغ داریم که دوران
پایتختی آن به بلندای هشتاد درصد عمر جهان باشد.
نخستین کسی که در کوفه رحل اقامت افکنده، بر
جهان هستی فرمانروایی می‌کند، خورشید جهان
افروز امامت، کعبه مقصود و قبله موعود جهان خلقت،
واپسین حجت حضرت احدیت، آخرین مصلح و
منجی جهان بشریت، وجود اقدس حضرت بقیه الله
(روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا) می‌باشد،

که به مدت سیصد و نه سال حکومت می‌کند.^{۴۸}
در واپسین روزهای عمر شریف حضرت
بقیه الله (عج) سالار شهیدان حضرت اباعبدالله
الحسین (ع) با هفتاد و پنج هزار نفر از شیعیان^{۴۹} و
هفتاد تن از شهدای کربلا رجعت می‌کند^{۵۰} و مدت
فرمانروایی اش به قدری طول می‌کشد که ابروهایش
روی دیدگان اش می‌افتد.^{۵۱}

با توجه به اعتقاد قطعی ما، که معصوم را جز
معصوم غسل نمی‌دهد، در احادیث فراوانی تصریح
شده که غسل و کفن و دفن حضرت ولی عصر (عج)
توسط امام حسین (ع) انجام خواهد شد.^{۵۲}

آنگاه مولای پرواپیشگان امیرمؤمنان (صلوات
الله علیه) رجعت نموده، به مدت چهل و چهار هزار
سال فرمانروایی می‌کند.^{۵۳}

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که رجعت رسول
اکرم (ص) هم زمان با دوران فرمانروایی
امیرمؤمنان (ع) خواهد بود.^{۵۴}

زوی این بیان فرمانروایی پیشوایان معصوم در
دوران رجعت ده‌ها هزار سال به طول خواهد انجامید،
از این رهگذر گستره زمانی پایتختی کوفه به بلندای
آفتاب بوده، هشتاد درصد عمر جهان را فرا خواهد



گرفت.

گستره مکانی کوفه

کوفه به سال هفده هـ. به صورت سرزمین شنزاری بود که در آن سه دیر وجود داشت.^{۵۵} سلمان فارسی و حذیفه بن یمان، پس از فتح مداین به دنبال محل مناسبی بودند که به سبک شهرسازی نوین بنیاد گردد و مرکزی برای استقرار سپاه باشد.

هنگامی که سلمان و حذیفه به سرزمین کوفه آمدند و دیرها را دیدند، آنجا را پسندیدند، دست به دعا برداشتند و عرض کردند: ای خدای زمین و آسمان، ای خدای باد و باران، ای خدای اختران فروزان، ای خدای خشکی‌ها و دریاها... این کوفه را برای ما مبارک بگردان و آن جا را محل آسایش و آرامش قرار بده.^{۵۶}

به دنبال صلاح دید سلمان و حذیفه، اهالی مداین، از محرم هفده هـ. دسته دسته به سوی کوفه کوچ کردند و قبایل دیگر از اقطار و اکناف در کوفه گرد آمدند و شهرسازی کوفه به صورت مدرن آغاز گردید. نخستین بنایی که با نقشه و برنامه در کوفه تأسیس گردید، مسجد اعظم کوفه بود که به صورت مربع بنیاد گردید.^{۵۷} آنگاه قصر (دارالاماره)، بازارها و محل بیت المال در مقابل محراب مسجد ساخته شد.^{۵۸}

مسجد کوفه نخست برای چهل هزار نفر ساخته شد، سپس برای شصت هزار نفر توسعه یافت.^{۵۹} شهر کوفه به سرعت توسعه یافت و مساحت آن به پانزده کیلومتر در نه کیلومتر رسید.^{۶۰}

مولای متقیان در تاریخ دوازده رجب سی و شش هـ. وارد کوفه شده، آن جا را به عنوان مقر حکومت و پایتخت خلافت خود برگزید^{۶۱} و بدین سان دوران شکوفایی و شهرت جهانی آن آغاز گردید و شمار ساکنان آن به یک میلیون نفر رسید.^{۶۲}

هنگامی که آن دست نیرومند الهی از آستین

غیبت بیرون آمده، حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی بنیاد نهاده، کوفه را به عنوان پایتخت دولت کریمه قرار دهد، قطر آن به ۵۴ میل (در حدود ۱۱۰ کیلومتر) خواهد رسید.^{۶۳}

روزی امیرمؤمنان (صلوات الله علیه) با جمعی از اصحاب وارد حیره شد، با دست مبارک اش به سوی کوفه و حیره اشاره نمود و فرمود:

لَتَصِلَنَّ هَذِهِ بَهْدَهُ؛^{۶۴}

بی تردید این دو شهر به یک دیگر خواهد پیوست.

امام صادق (ع) در این رابطه فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (ع) بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ، وَاتَّصَلَتْ بِيُوتِ أَهْلِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِي كَرْبَلَا؛^{۶۵}

چون قائم آل محمد (ع) قیام کند، در پشت کوفه (نجف اشرف) مسجدی بنیاد می نهد که دارای هزار درب می باشد و خانه‌های اهل کوفه به دو نهر کربلا متصل می شود.

و در حدیث دیگری فرمود:

إِنْ قَائِمُنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...، وَيَبْنِي فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ وَتَتَّصِلُ بِيُوتِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِي كَرْبَلَا وَبِالْحَيْرَةِ؛^{۶۶}

● چون قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن گردد... در ظهر کوفه مسجدی بنیاد نهد که برای آن هزار درب باشد، و خانه‌های کوفه به حیره و رود کربلا متصل گردد.

چون قائم ماقیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن گردد... در ظهر کوفه مسجدی بنیاد نهد که برای آن هزار در باشد، و خانه‌های کوفه به حیره ورود کربلا متصل گردد.

امام باقر(ع) در همین رابطه می‌فرماید:

هنگامی که دومین جمعه فرامی‌رسد، مردم عرضه می‌دارند: ای فرزند رسول خدا نماز در پشت سر شما، همانند نماز در پشت سر رسول خدا(ص) می‌باشد و مسجد گنجایش مار ندارد.

حضرت ولی عصر(عج) چاره‌اندیشی می‌کند، به سوی نجف اشرف حرکت نموده، مسجدی را پی‌ریزی می‌کند که هزار درب داشته، همگان را در خود جای دهد.^{۶۷}

این حدیث با سند دیگری نیز با اندک تفاوتی در تعبیر، از آن حضرت روایت شده است.^{۶۸}

شهر کوفه در اوایل تأسیس شامل هشتاد هزار خانه مسکونی بود، که پنجاه هزار از آنها، از آن دو قبیله ربیع و مضر، بیست و چهار هزار از آنها برای دیگر قبایل و شش هزار از آنها اختصاص به یمنی‌ها داشت،^{۶۹} ولی چون به صورت پایتخت دولت کریمه درآید، همه مؤمنان در آن گرد آیند، چنانکه در احادیث فراوان به آن تصریح شده است:

۱. یَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ إِلَّا بِالْكَوْفَةِ أَوْ يَحْنُ إِلَيْهَا؛^{۷۰}

برای مردمان روزی فرامی‌رسد که هیچ مؤمنی نباشد، جز این که در کوفه باشد و یادش به سوی آن پر کشد.

۲. حَتَّى يَأْتِيَ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا بِهَا أَوْ يَحْنُ إِلَيْهَا؛^{۷۱}

تا روزی فرارسد که همه مؤمنان در آن باشند و یابه سوی آن پر کشند.

۳. إِذَا دَخَلَ الْقَائِمُ الْكَوْفَةَ، لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا وَهُوَ بِهَا أَوْ يَجِيءُ إِلَيْهَا؛^{۷۲}

هنگامی که قائم(عج) وارد کوفه شود، هیچ مؤمنی نمی‌ماند، جز این که در آن جا باشد و یابه سوی آن عزیمت نماید.

۴. إِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَدَخَلَ الْكَوْفَةَ لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا وَهُوَ بِهَا؛^{۷۳}

چون قائم(ع) قیام کند و وارد کوفه شود، هیچ مؤمنی نمی‌ماند، جز این که در آنجا قرار بگیرد.

۵. لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَجْتَمِعَ كُلُّ مُؤْمِنٍ بِالْكَوْفَةِ؛^{۷۴}
قیامت برپا نشود جز این که همه مؤمنان در کوفه گرد آیند.

با توجه به آمار انسانها، و طول مدت حکومت حقه و گستره حکومت آن حضرت به شرق و غرب جهان، گرد آمدن همه مؤمنان در پایتخت، از وسعت شکوهمندی نظیر و بیرون از حد تصور شهر کوفه در عصر ظهور حکایت می‌کند.

امام باقر(ع) در این رابطه می‌فرماید:

ان القائم يملك ثلاثمائة وتسع سنين، كما لبث أهل الكهف في كهفهم، يملأ الأرض عدلاً وقسطاً، كما ملئت ظلماً وجوراً، ويفتح الله له شرق الارض و غربها؛^{۷۵}

قائم(ع) سیصد و نه سال فرمانروایی می‌کند، همان مقدار که اصحاب کهف در کهف درنگ کردند، زمین را پر از عدل و داد کند، آن گونه که پر از ظلم و ستم شده است. خداوند شرق و غرب جهان را برای او فتح می‌کند.

برای توجیه امکان گرد آمدن همه مؤمنان در کوفه احتمالاتی هست، که با ذکر دو مقدمه کوتاه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. به طوری که در روایات فراوان آمده بسیاری



از مردمان پیش از ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) به وسیله جنگ، سیل، طوفان، زلزله، طاعون، وبا و دیگر بلاهای زمینی و آسمانی از بین می‌روند.^{۷۶}

۲. دیگر کشورها از بین نمی‌روند، بلکه با دست حضرت بقیه الله (عج) گشوده شده، توسط فرستاده‌های آن حضرت اداره می‌شوند.

برای اداره هر کشوری یکی از یاران اش را می‌فرستد و می‌فرماید:

عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَاتَرِي؛^{۷۷}

بیمان تو در کف دست تست، هر چه [در آن] بینی به آن عمل کن.

پس از این دو مقدمه کوتاه عرض می‌کنیم:

۱. شاید در هنگامه ظهور تعداد مؤمنان از چند صد میلیون افزون‌تر نباشد و اداره آنها در یک شهر و خدمت‌رسانی به آنها با امکانات مدرن آن روز، ممکن باشد.

۲. شاید منظور از مؤمنان، مؤمنان خالص باشد و دیگر باورداران در دیگر مناطق تحت فرمان یاران اداره شوند.

۳. شاید شهرها و شهرک‌های فراوانی در گرداگرد کوفه ساخته شوند و مؤمنان در ام‌القرای آن شهرها، که همان کوفه باشد و دیگر شهرک‌های تابعه ساکن باشند.

با توجه به حکومت جهانی آن حضرت و گستره زمانی آن، و طول عمر مردم در عصر ظهور، که تا هزار تن از فرزندان خود را درک می‌کنند،^{۷۸} گستره پایتخت چنین حکومت جهان شمول از محدوده تفکرات ما بیرون است. به امید روزی که حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی در پهن دشت گیتی بنیاد گردد، همه خوانندگان گرامی و عموم شیعیان شیفته و دلسوخته، آن روزگار همایون را با چشم خود ببینند و گستره شکوهمند آن را مشاهده کنند.

سیمای کوفه در آینه قرآن

شماری از آیات قرآن در کلام پیشوایان معصوم (علیهم السلام) به شهر کوفه تفسیر و تأویل شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَامَةَ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ»؛^{۷۹}

پسر مریم و مادرش را آیتی قرار دادیم، و آن دو را بر بلندایی جای دادیم که دارای قرارگاه و آب روان بود.

«رَبْوَةٌ» از منظر لغویین: جایگاه مرتفع، «ذاتِ قَرَارٍ»: دارای کوهپایه‌های وسیع و هموار، «مَعِينٍ»: چشمه‌سار و آب روان می‌باشد.^{۸۰}

از مولای متقیان امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) روایت شده که فرمود: «رَبْوَةٌ» عبارت از «کوفه»، «قَرَارٍ»: «مسجد کوفه» و «مَعِينٍ»: «فرات» می‌باشد.^{۸۱}

کشاف الحقایق، امام جعفر صادق (ع) نیز در این رابطه فرمود: «رَبْوَةٌ» عبارت از «نجف کوفه» و «مَعِينٍ»: «فرات» است.^{۸۲}

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه فرموده: «رَبْوَةٌ» عبارت از «حیره»، «ذاتِ قَرَارٍ» و «مَعِينٍ»: عبارت از «کوفه» می‌باشد.^{۸۳}

علامه طبرسی از امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) روایت کرده که منظور از «رَبْوَةٌ»: «حیره کوفه و مرغزارهای آن» و منظور از «قَرَارٍ»: «مسجد کوفه» و منظور از «مَعِينٍ»: «فرات» می‌باشد.^{۸۴}

روی این بیان تردیدی نمی‌ماند در این که جایگاه مرتفعی که پناهگاه حضرت عیسی و مادرش حضرت مریم بود، کوفه و پیرامون آن بوده است.

۲. «وَالْتَيْنِ وَالزَيْتُونِ، وَطُورِ سَيْنِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»؛^{۸۵}

سوگند به تین، زیتون، طور سینا و این شهر ایمن.

«تین» در لغت به معنای انجیر است، ولی مفسران آن را به مسجد الحرام، مسجد اقصی، مسجد دمشق، مسجد حضرت نوح بر فراز جودی، مسجد اصحاب کهف، عصر آدم و بلاد شام تفسیر کرده‌اند.^{۸۶}

«زیتون» در لغت معلوم است، ولی از منظر مفسران به شام، بیت المقدس، بلاد شام، بلاد فلسطین، مسجد اقصی و عصر حضرت نوح (ع) تفسیر و تأویل شده است.^{۸۷}

«طور سینین» همان طور سینا می‌باشد، که در این آیه «طور سینین» و در آیه‌ای دیگر «طور سینا» تعبیر شده است.^{۸۸}

«طور» در لغت به معنای کوه است و ده بار در قرآن کریم تکرار شده است.^{۸۹}

«البلد الامین» از منظر همه مفسران مکه مکرمه می‌باشد.

و اما ارتباط آیات با کوفه:

۱- ثعلبی از شهر بن حوشب نقل کرده که منظور از «تین»: کوفه می‌باشد.^{۹۰}

۲- بسیاری از مفسران عامه گفته‌اند که منظور از «تین»: مسجد حضرت نوح بر فراز جودی می‌باشد.^{۹۱} در تفاسیر فراوانی تصریح شده که منظور از «جودی» فرات کوفه می‌باشد.^{۹۲}

۳- به اتفاق مفسران، منظور از «طور سینین» همان طور سینا می‌باشد، که خداوند بر فراز آن حضرت موسی (ع) را مخاطب قرار داد و با او سخن گفت. سینا و سینین به معنای مبارک و زیباست^{۹۳} و طور سینا و طور سینین یعنی: کوه مبارک و زیبا. رسول اکرم (ص) در تفسیر سوره مبارکه «تین» فرمود:

ان الله تبارک و تعالی اختار من البلدان اربعة، فقال عز وجل: «والتين والزيتون وطور سينين وهذا البلد الامين»؛ التين المدينة، والزيتون بيت المقدس؛ و طور سينين الكوفة، وهذا البلد الامين:



مکه؛^{۹۴}

خداوند متعال چهار شهر را از میان شهرها برگزید و فرمود:

«والتين...» که منظور از تین: مدینه، مقصود از زیتون: بیت المقدس، هدف از طور سینا: کوفه؛ و منظور از البلد الامین، مکه می‌باشد.

این حدیث شریف بیانگر آن است که «طور سینا» در ناحیه کوفه بوده است.

چنانکه احادیث دیگری نیز آن را تأیید می‌کند، از جمله:

شیخ طوسی با اسناد خود حدیثی را از امام باقر (ع) پیرامون محل دفن مولای متقیان (ع) نقل کرده، که در آخر آن فرموده است:

و هو اول طور سیناء؛^{۹۵}

آنجا اول طور سینا می‌باشد.

۳. (و غیض الماء و قضي الامر و استوت علی الجودی)؛^{۹۶}

آب فرو شد، فرمان حق انجام پذیرفت و (کشتی نوح) بر جودی استقرار یافت.

از کوهی که کشتی حضرت نوح (ع) بر آن نشست، قرآن کریم به «جودی» تعبیر کرده، در تورات از آن «آرارات» تعبیر شده، ولی مفسران تورات تصریح کرده‌اند که واژه «آرارات» در تورات به منطقه وسیعی گفته می‌شود که در میان رود ارس، دریاچه وان و دریاچه ارومیه قرار دارد، سپس اضافه می‌کنند:

موافق روایات کشتی نوح بر این کوه قرار گرفت، این کوه بلند که آرامنه آن را «مسیس»، ترکها «آغری داغ»، ایرانیان «کوه نوح» اروپاییان «آرارات» و اعراب آن را «جودی» می‌نامند، دارای دو قله است که یکی به مقدار چهار هزار پا از دیگری بلندتر است.^{۹۷}

یاقوت آن را در کرانه شرقی دجله از نواحی موصل معرفی کرده می‌نویسد: مسجد نوح تا به امروز بر فراز

آن باقی است.^{۹۸}

مرحوم بلاغی می نویسد:

جودی کوهی است در نزدیکی موصل که با کوههای ارمنستان پیوسته و اکراد در کنار آن زندگی می کنند، و آن را به زبان خود «کاردو» یا «جاردو» می نامند و یونانیان آن را تحریف کرده «جوردی» نامیده اند و چون به زبان عربی وارد شده، آن را تعریب کرده «جودی» نامیدند.^{۹۹}

مؤلفان دائرة المعارف اسلامی تأکید دارند که جودی ربطی به کوههای آارات ندارد، بلکه کوه مرتفعی است در منطقه «بُهتان».^{۱۰۰}

واژه بُهتان در اصل «بُختان» بود، در سفرنامه‌ها «بوتان» و «بُتان» آمده، در سریانی «بُتان» و «بُتَّان» تلفظ می شود و امروزه «بُهتان» نامیده می شود و در منابع مورد اعتماد به ساکنان آن منطقه «بُختی» اطلاق کرده اند.^{۱۰۱}

شمس الدین سامی افندی از آن «آغری داغی» تعبیر کرده، می نویسد: نقل می شود که مسجد حضرت نوح و برخی از بقایای کشتی نوح بر فراز آن موجود است.^{۱۰۲}

دکتر رحیم هویدا می نویسد:

به اعتقاد ارامنه نام شهر «نخجوان» در دامنه کوه آارات با ماجرای کشتی نوح مرتبط است، زیرا «نخ» به معنای کشتی و «جوان» به معنی محل استقرار می باشد، آنها معتقدند که کشتی نوح در این نقطه بر زمین نشسته و این شهر قدیمی ترین شهر دنیای می باشد.^{۱۰۳}

ولی در منابع قدیمی محل کوه جودی را در کرانه شرقی دجله، در بین النهرین علیا نوشته اند.^{۱۰۴} و این مطابق است با نظر یاقوت که آن را در نزدیکی موصل دانسته است.^{۱۰۵}

در حدیثی از امام کاظم(ع) نیز روایت شده که

جودی در نزدیکی موصل می باشد،^{۱۰۶} ولی امام صادق(ع) در فرازی از یک حدیث طولانی می فرماید:

«وَ اسْتَوَتْ عَلَی الْجُودِیِّ» وَ هُوَ فِرَاتُ الْكُوفَةِ؛^{۱۰۷}
آنگاه بر کوه جودی استقرار یافت و آن همان فرات کوفه می باشد.

از طرح این سه آیه به این نتیجه رسیدیم که طور سینای حضرت موسی(ع)، پناهگاه مریم و حضرت عیسی (علیهما السلام) و قرارگاه کشتی حضرت نوح(ع) در کوفه و پیرامون آن بود و به زودی پایتخت دولت کریمه در همان نقطه گسترده می شود. به امید آن روز.

سیمای کوفه در آئینه روایات

در کلمات دُرر بار ائمه اطهار (علیهم السلام) احادیث فراوانی در فضیلت کوفه آمده است که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

۱. از امام باقر(ع) پرسیدند: پس از مکه و مدینه کدامین بقعه افضل است؟
فرمود: «کوفه»، سپس فرمود:

هِيَ الزَّكِيَّةُ الطَّاهِرَةُ، فِيهَا قُبُورُ النَّبِيِّينَ الْمُرْسَلِينَ وَ
غَيْرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ الْاَوْصِيَاءِ الصَّادِقِينَ...؛^{۱۰۸}

کوفه پاک و پاکیزه است، قبور مطهر پیامبران مرسل و غیر مرسل و اوصیای راستین در آن جاست.

۲. امام صادق(ع) در این رابطه فرمود:

الْكُوفَةُ حَرَمٌ لِلَّهِ وَ حَرَمٌ لِرَسُولِهِ وَ حَرَمٌ لِامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
الصَّلَاةُ فِيهَا بِأَلْفِ صَلَاةٍ وَ الدَّرْهَمُ فِيهَا بِأَلْفِ دَرْهَمٍ؛^{۱۰۹}

کوفه حرم خدا، حرم پیامبر و حرم امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) می باشد. یک نماز در آن معادل یک هزار نماز، و یک درهم در آن معادل یک هزار درهم است.

۳. رسول اکرم(ص) فرمود:

اماکن زیارتی مستحب به امام زمان(عج) در ایران و جهان «کوفه»

● امام صادق (ع): برای

خدا حرمی است و آن مکه

است، برای پیامبر خدا

حرمی است و آن مدینه

است، برای امیر مؤمنان

حرمی است و آن کوفه

است و برای ما حرمی

است و آن قم می باشد.

الْكُوفَةُ جُمُومَةُ الْعَرَبِ وَرَمْحُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى
وَكَنْزُ الْإِيمَانِ؛^{۱۱۰}

کوفه مغز عرب، نیزه خداوند منان و گنجینه
ایمان است.

۴. حضرت سلمان هنگامی که از سرزمین کوفه
عبور می کرد فرمود:

اینجا قبه الاسلام است.^{۱۱۱}

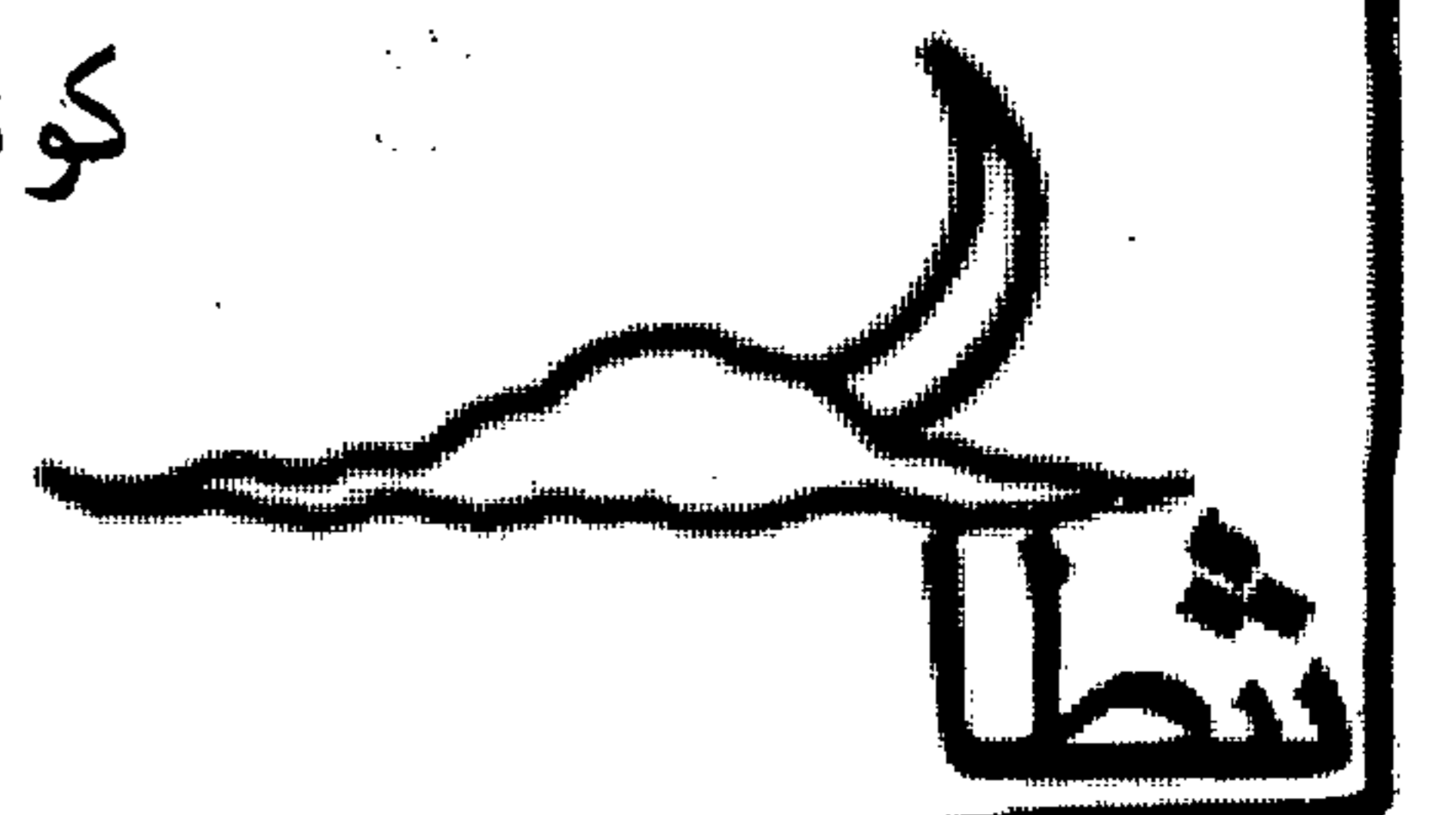
این تعبیر از رسول اکرم (ص) در مورد مسجد
کوفه روایت شده است.^{۱۱۲}

مسعودی در علت نامگذاری کوفه به «قبة
الاسلام» از امام (ع) روایت می کند که حضرت نوح (ع)
در وسط مسجد کوفه گنبدی زد، اهل و عیال و
مؤمنان را آن جا اسکان داد، تا شهرها تأسیس گردید
و فرزندانش در شهرها اقامت گزیدند، پس کوفه «قبة
الاسلام» نامیده شد.^{۱۱۳}

۵. امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) در فضیلت
کوفه فرمود:

الْكُوفَةُ كَنْزُ الْإِيمَانِ وَحِجَّةُ الْإِسْلَامِ وَسَيْفُ اللَّهِ وَ
رَمْحُهُ، يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ؛^{۱۱۴}

کوفه گنجینه ایمان، حجت اسلام، شمشیر و



نیزه خداوند منان است، که هر کجا بخواهد آن
را به کار بگیرد.

۶. از ابن عباس روایت شده که فرمود:

الْكُوفَةُ فُسْطَاطُ الْإِسْلَامِ؛^{۱۱۵}
کوفه خیمه اسلام است.

۷. امام صادق (ع) به کسی که می خواست مکه
یا مدینه را به عنوان اقامتگاه خود انتخاب کند، فرمود:

عَلَيْكَ بِالْعِرَاقِ الْكُوفَةَ، فَانِ الْبِرْكَهَ مِنْهَا عَلَى اثْنِي
عَشَرَ مِيلاً هَكَذَا وَهَكَذَا...؛^{۱۱۶}

بر تو باد عراق، در کوفه سکونت کن که برکت
در دوازده میلی آن می باشد، این گونه - یعنی؛ از
هر چهار طرف ..

۸. امام صادق (ع) در همین رابطه فرمود:

الْكُوفَةُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛^{۱۱۷}
کوفه باغی از باغهای بهشت است.

۹. از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمود:

طِينَةٌ شِيعَتِنَا مِنَ الْكُوفَةِ؛^{۱۱۸}
گل شیعیان ما از کوفه است.

۱۰. در احادیث طینت آمده است:

طِينُ الْأَرْضِ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ وَالْكُوفَةَ وَبَيْتِ
الْمَقْدِسِ وَالْحَائِرِ؛^{۱۱۹}

گل زمین از مکه، مدینه، کوفه، بیت المقدس و
حائر (حرم امام حسین علیه السلام)
می باشد.

۱۱. امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) در مدح
کوفه فرمود:

وَيَحْكُ يَا كُوفَةُ، مَا أَطْيَبِكِ وَأَطْيَبَ رِيحِكِ؛^{۱۲۰}
ای کوفه! ترا چه می شود که این قدر پاکیزه ای
و بویت این قدر پاکیزه است؟

۱۲. امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) در این رابطه

به نظم فرمود:

يا حَبْدًا السَّيْرُ بِأَرْضِ الْكُوفَةِ

أَرْضٌ سِوَاءَ سَهْلَةٍ مَعْرُوفَةٍ^{۱۲۱}

وہ چه زیباست گشت و گذار در سرزمین کوفه،
سرزمین هموار خوش منظر خوشبو.

۱۳. امام صادق(ع) در مدح کوفه فرمود:

ان الله اختار من جميع البلاد كوفة و قم و
تفليس؛^{۱۲۲}

خداوند از میان همه شهرها، کوفه، قم و تفلیس
را برگزید.

۱۴. امام حسن عسکری(ع) در این رابطه فرمود:

لموضع الرجل في الكوفة، احب الي من دار في
المدينة؛^{۱۲۳}

جای پای در کوفه برای من، از خانه‌ای در
مدینه محبوب تر است.

۱۵. امام صادق(ع) در ضمن حدیثی فرمود:

ان الله احتج بالكوفة على سائر البلاد، و بالمؤمنين
من أهلها على غيرهم؛^{۱۲۴}

خداوند با کوفه بر دیگر شهرها احتجاج نمود،
و با مؤمنان از اهل آن بر دیگران.

۱۶. و در حدیث دیگری فرمود:

من كان له دار بالكوفة فليتمسك بها؛^{۱۲۵}

هر کس در کوفه خانه‌ای داشته باشد، حتماً
آن را نگه بدارد.

۱۷. امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) در مورد دفع

بلاها از کوفه فرمود:

يُدْفَعُ الْبَلَاءُ عَنْهَا كَمَا يَدْفَعُ عَنْ أُخْبِيَةِ النَّبِيِّ؛^{۱۲۶}

بلا از کوفه دفع می شود، آن گونه که از
خیمه‌های پیامبر(ص) دفع می گردد.

۱۸. امام صادق(ع) در همین رابطه فرمود:

إذا عمتِ البُلايا، فالأمنُ في الكوفةِ و نواحيها؛^{۱۲۷}

هنگامی که بلاها همگانی شود، امنیت در کوفه
و اطراف آن است.

۱۹. در حدیث دیگر از حوادث جانکاه و بلاهای

خانمان سوز گفت و گو فرمودند، پرسیدند که در چنین
شرایطی به کجا فرار کنیم؟ فرمود:

إلى الكوفةِ و حوايلها؛^{۱۲۸}

به سوی کوفه و اطراف آن.

۲۰. رسول اکرم(ص) در یک حدیث طولانی

خطاب به امیر مؤمنان(ع) فرمود: خداوند ولایت ترا
به آسمان‌ها عرضه نمود، آسمان هفتم سبقت جست:

پس آن را با عرش زینت بخشید، سپس...؛

ثم سبقت إليها الكوفة، فزینها بك؛^{۱۲۹}

آنگاه کوفه سبقت جست، پس آن را با وجود
توزینت بخشید.

۲۱. امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) در مورد

پیوند ناگسستنی خود با کوفه می فرماید:

هذه مدینتنا، و محلنا و مقر شیعتنا؛^{۱۳۰}

اینجا شهر ما، جایگاه ما و اقامتگاه شیعیان
ماست.

۲۲. امام صادق(ع) در همین رابطه فرمود:

تربة تُحِبُّنا و نُحِبُّها؛^{۱۳۱}

خاک کوفه ما را دوست دارد و ما نیز آن را
دوست می داریم.

۲۳. و در حدیث دیگری فرمود:

برای خدا حرمی است و آن مکه است،

برای پیامبر خدا حرمی است و آن مدینه است،

برای امیر مؤمنان حرمی است و آن کوفه است

و برای ما حرمی است و آن قم می باشد.^{۱۳۲}

۲۴. و در حدیث دیگری با توضیح بیشتری

فرمود:

وَ الْكَوْفَةُ حَرَمٌ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ (ع). ان عَلِيًّا (ع)
 حَرَمٌ مِنَ الْكَوْفَةِ مَا حَرَّمَ اِبْرَاهِيمُ مِنْ مَكَّةَ، وَمَا حَرَّمَ
 مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنَ الْمَدِينَةِ؛^{۱۳۳}
 كوفه حرم علی بن ابی طالب است، حضرت
 علی (ع) از کوفه حرام کرده، آن چه را که
 حضرت ابراهیم از مکه و حضرت محمد (ص)
 از مدینه حرام کرده‌اند.

۲۵. مولای متقیان، خود در این رابطه فرمود:

مَكَّةُ حَرَمُ اللهِ، وَ الْمَدِينَةُ حَرَمُ رَسُولِ اللهِ، (ص) وَ
 الْكَوْفَةُ حَرَمِي، لَا يَرِيدُهَا جَبَارٌ بِحَادِثَةٍ اِلَّا قَصَمَهُ
 اللهُ؛^{۱۳۴}

مکه حرم خدا، مدینه حرم رسول خدا و کوفه
 حرم من است، هیچ ستمگری در صدد ایجاد
 حادثه در آن بر نمی آید، جز این که خداوند
 ریشه کن اش می کند.

۲۶. امام صادق (ع) در این رابطه فرمود:

اَللّٰهُمَّ اَرْمِ مَنْ رَمَاهَا وَ عَادِ مَنْ عَادَهَا؛^{۱۳۵}
 بار خدایا! هر کس کوفه را بزند او را بزنی و هر
 کس آن را دشمن بدارد او را دشمن بدار.

کوفه و پیرامون

آنچه از نظر خوانندگان گرامی گذشت، شماری
 از احادیث پیشوایان معصوم (ع) پیرامون «کوفه» بود،
 در این رابطه احادیث فراوان دیگری هست که در
 مورد مناطق وابسته و نواحی پیوسته به کوفه از امامان
 نور (علیهم السلام) صادر گشته است که به جهت
 محدود بودن صفحات مجله از آن‌ها صرف نظر نموده،
 به چند نمونه از احادیث وارده پیرامون «ظهر کوفه»
 بسنده می کنیم:

۲۷. مولای متقیان، امیرمؤمنان (صلوات الله
 علیه) در مورد ظهر کوفه که همان نجف اشرف
 می باشد، فرمود:

يُحْشَرُ مِنْ ظَهْرِ الْكَوْفَةِ سَبْعُونَ اَلْفًا عَلٰى غَرَةِ
 الشَّمْسِ، يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بَغَيْرِ حِسَابٍ؛^{۱۳۶}
 از ظهر کوفه هفتاد هزار نفر همانند قرص
 خورشید در نخستین لحظات طلوع آن
 برانگیخته می شوند که بدون حساب وارد
 بهشت شوند.

۲۸. و در همین رابطه خطاب به شهر کوفه
 فرمود:

مَا أَحْسَنَ ظَهْرَكَ وَأَطْيَبَ قَعْرَكَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَبْرِي
 بِهَا؛^{۱۳۷}

ای کوفه، چه پشت خوب (نجف) و چه
 اندرون خوبی داری، بار خدایا قبر مرا در آن
 قرار ده.

از ده‌ها حدیث مربوط به قبر مطهر مولای متقیان
 به یک حدیث بسنده می کنیم:

۲۹. امام صادق (ع) فرمود:

بِظَهْرِ الْكَوْفَةِ قَبْرٌ لَا يَلُوذُ بِهِ ذُو عَاهَةٍ اِلَّا شَفَاهُ اللهُ؛^{۱۳۸}
 در پشت کوفه قبری هست که هیچ صاحب
 مرضی به آن پناه نمی برد، جز این که خداوند
 او را شفای دهد.

معجزات و کرامات باهره‌ای که در حرم مولای
 متقیان مشاهده گردیده، بیرون از شمار است، فقط
 اشاره می کنیم که «ابن بطوطه» می نویسد: از این
 روضه کرامت‌ها ظاهر می شود که منشأ عقیده مردم
 بر این که قبر علی (ع) آنجاست همان کرامت‌ها
 می باشد. در شب بیست و هفت رجب که «لیلة
 المحیا» می نامند، عراقیان، خراسانیان، فارسیان و
 رومیان، سی تن و چهل تن، بعد از نماز خفتن در آنجا
 گرد می آیند و بیماران افلیج و زمین گیر را کنار ضریح
 مقدس می گذارند و خود به نماز و ذکر و قرآن
 می پردازند. چون پاسی از شب گذشت همه مریض‌ها
 که شفا یافته و سالم شده‌اند، برخاسته ذکر لاله



الاالله، محمد رسول الله و على ولى الله مى گویند. و این حکایت در میان آنان به حد افاضه رسیده، گرچه من خود آن شب را درک نکردم، داستان آن را از اشخاص مورد اعتماد شنیدم.^{۱۳۹}

در اینجا فقط اشاره می کنیم که پیامبران فراوانی در نجف و کوفه مدفون هستند، از جمله حضرت آدم و حضرت نوح، که در داخل ضریح مقدس امیر مؤمنان (ع) مدفون می باشند.^{۱۴۰}

۳۰. در عظمت این مکان مقدس همین بس که مولای متقیان فرمود:

أولُ بقعةٍ عبدُ الله عليها ظهرُ الكوفة، لَمَّا أمرَ اللهُ
الملائكةَ أن يسجدوا لآدمَ، سجدوا على ظهرِ
الكوفة؛^{۱۴۱}

نخستین بقعه‌ای که خداوند بر فراز آن پرستش شده ظهر کوفه است. هنگامی که خداوند به فرشتگان امر فرمود که در برابر حضرت آدم (ع) سجده کنند، بر فراز ظهر کوفه او را سجده کردند.

۳۱. امام صادق (ع) در پشت کوفه در سه مورد از مرکب خود پیاده شد و در هر یک دو رکعت نماز گزارد. ابوالفرج سندی که در محضر بود عرضه داشت: این سه مورد که نماز گزاردید، کجا می باشند؟ فرمود:

أما الأولُ فموضعُ قبرِ أميرِ المؤمنين (ع) و الثاني
موضعُ رأسِ الحسين (ع) و الثالثُ موضعُ منبرِ
القائم (ع)؛^{۱۴۲}

اما اولی محل قبر امیر مؤمنان، اما دومی محل سر مقدس سالار شهیدان و اما سومی محل منبر حضرت صاحب الزمان (صلوات الله علیه) می باشد.

۳۲. امام باقر (ع) در ضمن یک حدیث طولانی که در مورد کیفیت بنای کعبه معظمه توسط حضرت

آدم (ع) به تفصیل سخن گفته، در مورد ارکان چهارگانه آن می فرماید:

فرَّعَ قواعدَ البيتِ الحرامِ بحجرٍ من الصفا، و حجرٍ
من المروة، و حجرٍ من طورِ سیناء، و حجرٍ من جبلِ
السلام و هو ظهرُ الكوفة؛^{۱۴۳}

انگاه پایه های بیت الله الحرام را با سنگی از صفا، سنگی از مروه، سنگی از طور سینا و سنگی از جبل السلام که همان پشت کوفه است، بنیاد نهاد.

۳۳. و در حدیث معراج آمده است که رسول اکرم (ص) چون به «دار السلام»^{۱۴۴} در پشت کوفه رسیدند، جبرئیل عرضه داشت که اینجا مسجد پدرت آدم و عبادتگاه پیامبران است، فرود آی و در اینجا نماز بگذار، پس از براق پیاده شده نماز گزارده، انگاه به سوی بیت المقدس عزیمت نمود.^{۱۴۵}

۳۴. سرزمین نجف اشرف به قدری شرافت دارد که سنگ ریزه های آن نگین افتخار عبادت کنندگان می باشد.

امام صادق (ع) به هنگام شمارش انگشتی های که بسیار فضیلت دارد، از در نجف یاد کرده می فرماید:
و ما يُظهِرُهُ اللهُ بِالذِّكْوَاتِ الْبَيْضِ بِالغَرِيِّينَ؛^{۱۴۶}
و آنچه خداوند پدیدار می سازد در تپه های سفید غریبین.

به تفصیل از پاداش آن بحث کرده می فرماید:
خداوند از روی رحمت گسترده اش به

● سرزمین نجف اشرف
به قدری شرافت دارد که
سنگ ریزه های آن نگین
افتخار عبادت کنندگان
می باشد.

شیعیان، در نجف رابه قدری فراوان کرده که به رایگان به دست همگان برسد.

سیمای اهل کوفه در آئینه روایات

با توجه به این که اهالی کوفه همواره پشتیبان اهل بیت عصمت و طهارت بوده‌اند، نکوهش‌های فراوانی در مورد آنها از سوی دشمنان به عمل آمده است و لذا احادیث مربوط به کوفه و ظهر کوفه را با روایاتی پیرامون «اهل کوفه» پی می‌گیریم:

۳۵. امام باقر(ع) در این رابطه می‌فرماید:

ان ولایتنا عُرِضَتْ عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ، فَلَمْ يَقْبَلْهَا قَبُولَ أَهْلِ الْكُوفَةِ شَيْءٌ؛^{۱۴۷}

ولایت ما به اهل شهرها عرضه شد، اهالی هیچ شهری همانند اهل کوفه آن را نپذیرفتند.

۳۶. امام رضا(ع) در مورد اهل کوفه فرمود:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ قَدْ اعْطَيْتُمْ خَيْرًا كَثِيرًا، وَأَنْكُمْ لَمِئَنٌ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ؛^{۱۴۸}

ای اهل کوفه به شما خیرهای فراوان عطا شده، شما از کسانی هستید که خداوند دل‌هایشان را آزموده است.

۳۷. امام حسین(ع) خطاب به اهل کوفه، در ایام

جنگ صفین فرمود:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، أَنْتُمْ الْأَحِبَّةُ الْكِرْمَاءُ، وَالشُّعَارُ دُونَ الدِّثَارِ؛^{۱۴۹}

ای اهل کوفه، شما دوستان گرانمایه، بسیار

صمیمی و خصوصی، نه ظاهری و بیگانه می‌باشید.

۳۸. امام سجاد(ع) در همین رابطه فرمود:

مَرْجَبًا بِكُمْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، أَنْتُمْ الشُّعَارُ دُونَ الدِّثَارِ؛^{۱۵۰}

مرحبانه شما ای اهل کوفه، شما (همانند لباس زیرین) صمیمی و خصوصی هستید، نه مانند جامه رویی (بیگانه و ظاهری).

۳۹. امام صادق(ع) در این رابطه می‌فرماید:

أَهْلُ خُرَّاسَانَ أَعْلَامُنَا، أَهْلُ قُمْ أَنْصَارُنَا، وَأَهْلُ كُوفَةَ أَوْلَادُنَا، وَأَهْلُ هَذَا السَّوَادِ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ؛^{۱۵۱}

اهل خراسان پیشتازان ما، اهل قم یاوران ما، اهل کوفه تکیه‌گاههای ما و اهل این دیار (نواحی کوفه) از ما هستند و ما نیز از آنها هستیم.

۴۰. مولای متقیان در نامه‌ای که به اهل کوفه

نوشته‌اند، چنین می‌نویسند:

مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ جِبَّةِ الْأَنْصَارِ وَسَنَامِ الْعَرَبِ؛^{۱۵۲}

از بنده خدا علی امیر مؤمنان، به سوی اهل کوفه پیشتاز یاران و قله [شرف] عرب.

سیمای کوفه در احادیث ملاحم

در پیشگویی‌های پیشوایان معصوم(ع) احادیث فراوان در رابطه با کوفه به ویژه در هنگامه خروج سفیانی آمده است که به صورت فشرده به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. سَنَةَ الْفَتْحِ يَنْبِثُ الْفِرَاتُ حَتَّى يَدْخُلَ أَرْقَةَ الْكُوفَةِ؛^{۱۵۳}

در سال فتح آب فرات سرریز می‌کند و در کوچه‌های کوفه روان می‌شود.

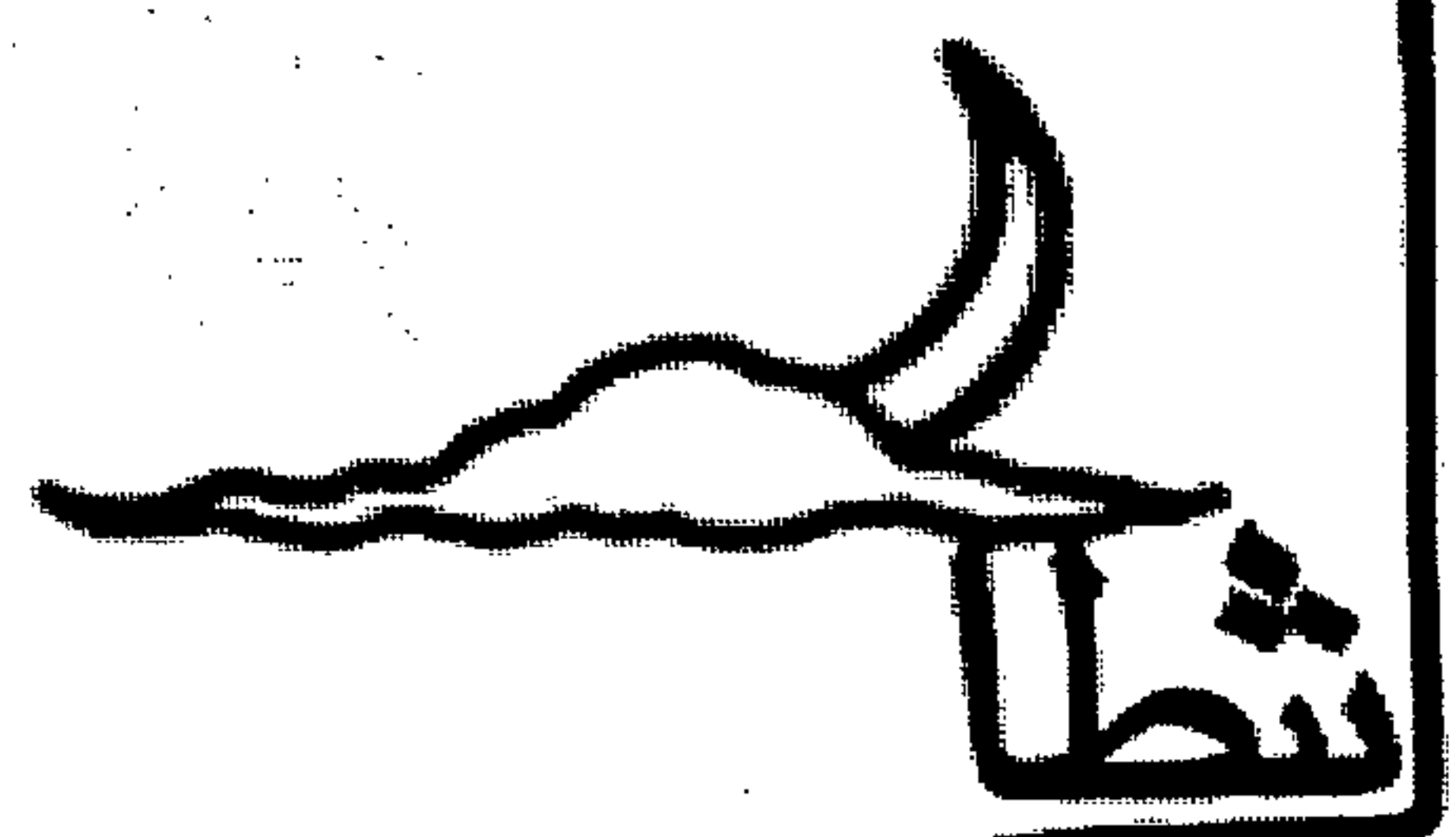
● اهل خراسان پیشتازان ما،

اهل قم یاوران ما، اهل کوفه

تکیه‌گاههای ما و اهل این دیار

(نواحی کوفه) از ما هستند و ما

نیز از آنها هستیم.



۲. اِذَا فُتِقَ بَثْقُ فِي الْفِرَاتِ، فَبَلَغَ اَزْقَةَ الْكُوفَةِ فَلَيْتِهَيًّا
شيعتنا؛ ۱۵۴

هنگامی که شکافی در فرات پدید آید و آب فرات به کوجه‌های کوفه برسد، شیعیان آماده ظهور باشند.

۳. لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يُحْفَرَهَا هُنَا نَهْرٌ
يَجْرِي فِيهِ الْمَاءُ وَالسُّفْنُ؛ ۱۵۵

شبهها و روزها سپری نمی‌شود، تا در اینجا رودخانه‌ای حفر می‌شود که در آن آب و کشتی به جریان می‌افتد.

۴. الْكُوفَةُ أَمْنَةٌ مِنَ الْخَرَابِ حَتَّى تَخْرَبَ مِصْرُ، وَ لَا تَكُونُ الْمَلْحَمَةُ حَتَّى تَخْرَبَ الْكُوفَةُ؛ ۱۵۶

کوفه در امان است از ویرانی تا هنگامی که مصر ویران گردد، پیشگویی‌ها تحقق نمی‌یابد تا هنگامی که کوفه ویران شود.

۵. لَا يَذْهَبُ مُلْكُ هَوْلَاءَ حَتَّى يَسْتَعْرِضُوا النَّاسَ بِالْكُوفَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، لِكَأَنِّي أَنْظَرُ الَّتِي رَأْسُ تَنْدُرُ فِيمَا بَيْنَ الْمَسْجِدِ وَأَصْحَابِ الصَّابُونِ؛ ۱۵۷

حکومت این‌ها پایان نمی‌یابد تا هنگامی که مردم را روز جمعه در کوفه به صف کرده به قتل برسانند. گویی با چشم خود می‌بینم سرهایی را که در میان مسجد و بازار صابون فروش‌ها بر زمین می‌ریزند.

۶. اِنْ لَوْلَا فُلَانٌ عِنْدَ مَسْجِدِكُمْ لَوْقَعَةٌ فِي يَوْمٍ عَرُوبِيٍّ، يُقْتَلُ فِيهَا اَرْبَعَةُ اَلْفٍ مِنْ بَابِ الْفِيلِ اِلَى اَصْحَابِ الصَّابُونِ؛ ۱۵۸

برای فرزندان فلانی در نزد مسجد شما (مسجد اعظم کوفه) حادثه‌ای در یک روز عید هست که در میان باب فیل تا بازار صابونی‌ها چهار هزار نفر کشته می‌شود.

۷. اِذَا هُدِمَ حَائِطُ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مُؤَخَّرُهُ مِمَّا يَلِي

دار عبد الله بن مسعود، فعند ذلك زوال ملك بني فلان، اما ان هادمه لا بينيه؛ ۱۵۹

هنگامی که دیوار مسجد کوفه از ناحیه پشت، از طرف خانه عبدالله بن مسعود تخریب شود، در آن هنگام حکومت آل فلان نابود می‌شود و تخریب کننده دیوار آن را بنامی کند.

۸. اُنَى يَكُونُ ذَلِكَ. يَا جَابِرُ. وَ لَمَّا يَكْثُرُ الْقَتْلُ بَيْنَ الْحَيْرَةِ وَالْكُوفَةِ؛ ۱۶۰

ای جابر، چگونه ممکن است. امر ظهور. واقع شود، در حالی که کشت و کشتار فراوان در میان حیره و کوفه رخ نداده است.

۹. اِذَا وَقَعَ النَّارُ فِي حِجَازِكُمْ، وَ جَرَى الْمَاءُ بِنَجْفِكُمْ، فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ قَائِمِكُمْ؛ ۱۶۱

هنگامی که در حجازتان آتش پدید آمد و آب در نجف‌تان روان گردید، ظهور قائم (عج) خود را امیدوار باشید.

۱۰. اِذَا مَلَأَ هَذَا نَجْفُكُمُ السَّيْلُ وَالْمَطَرُ، وَ ظَهَرَتِ النَّارُ فِي الْحِجَارَةِ وَ الْمَدْرِ، وَ مَلَكَتْ بَغْدَادَ التَّتْرُ، فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ؛ ۱۶۲

هنگامی که این نجف شما را سیل و باران فرا گیرد و در سنگ‌ها و سنگ‌ریزه‌ها آتش پدیدار گردد، ظهور قائم خود را امیدوار باشید.

سیمای کوفه در هنگامه خروج سفیانی

۱. وَ يَدْخُلُ جَيْشُ السَّفِيَانِيِّ إِلَى الْكُوفَةِ فَلَا يَدْعُونَ أَحَدًا إِلَّا قَتَلُوهُ؛ ۱۶۳

سپاه سفیانی وارد کوفه می‌شوند و احدی را فروگذار نمی‌شوند جز این که به قتل می‌رسانند.

۲. وَ يَبْعَثُ السَّفِيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ وَ عَدْتُهُمْ

● پرچم‌های سیاهی
که از خراسان به حرکت
در می آید، در کوفه فرود
می آید، هنگامی که
مهدی (ع) ظهور نمود،
برای بیعت به سوی
آن حضرت گسیل
می شوند.

سبعون ألفاً، فيصیبون من اهل الكوفة قتلاً و صلباً و
سبياً؛^{۱۶۴}

سفینانی سیاهی رابه سوی کوفه گسیل می دارد
که تعدادشان هفتاد هزار نفر می باشند، اهل
کوفه را می کشند، به دار می زنند و اسیر
می گیرند.

۳. و بیعت مائة و ثلاثین ألفاً الى الكوفة و ينزلون
الروحاء و الفاروق، فيسير منها ستون ألفاً حتى
ينزلوا الكوفة. موضع قبر هود (ع) بالنخيلة
فيه جمون اليهم يوم الزينة؛^{۱۶۵}

صد و سی هزار نفر به سوی کوفه گسیل
می دارد، که در روحاء و فاروق فرود می آیند،
شصت هزار نفر از آنها وارد کوفه شده، در نخيله
- در کنار قبر حضرت هود - مستقر می شوند و
در روز عید تهاجم می کنند.

۴. و يظهر السفيناني و من معه حتى لا يكون له
همة الا آل محمد (ص) و شيعتهم، فيبعث الله
بعثاً الى الكوفة، فيصاب باناس من شيعة آل محمد
بالكوفة قتلاً و صلباً؛^{۱۶۶}

سفینانی و همراهانش خروج کرده، هدفی جز
کشتن آل محمد و شیعیان آنها را در سر

نمی پروراندند. پس لشکری رابه سوی کوفه
می فرستد، پس گروهی از شیعیان اهلیت رابه
قتل می رسانند و به دار می آویزند.

۵. ثم يسير الى الكوفة فيقتل أعوان آل
محمد (ص)؛^{۱۶۷}

انگاه سفینانی به سوی کوفه رهسپار شده،
یاوران آل محمد را می کشد.

۶. يخرج ابن اكلة الاكباد من الوادي اليابس، و
هو رجل ربعة، وحش الوجه، ضخم الهامة، بوجه
اثر الجدرى، اذا رأته حسبته أعور، اسمه عثمان
و ابوه عنبسة، و هو من ولد ابي سفیان، حتى يأتي
ارضاً (ذات قرار و معین) فيستوي على منبرها؛^{۱۶۸}

پسر هند جگر حواره از وادی یابس (در اطراف
دمشق) خروج می کند، او مردی متوسط قامه،
وحشت برانگیز، ستر سر، و آبله رو می باشد.
هنگامی که به او نگاه کنی می پنداری که
نابیناست، نام اش «عثمان» و نام پدرش
«عنبسه» از تبار ابوسفیان می باشد، به سرزمینی
دارای قرارگاه و آب روان (کوفه) وارد می شود
و بر منبر آن قرار می گیرد.

۷. های های، الا یا ویل لکوفانکم هذه و ما يحلها
من السفيناني؛^{۱۶۹}

اه، آه، وای بر این کوفه شما از آنچه از سفینانی
بر آن می رسد.

۸. تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان
الى الكوفة، فاذا ظهر المهدي (ع) بعث اليه
بالبیعة؛^{۱۷۰}

پرچم های سیاهی که از خراسان به حرکت
در می آید، در کوفه فرود می آید، هنگامی که
مهدی (ع) ظهور نمود، برای بیعت به سوی آن
حضرت گسیل می شوند.



۹. خُرُوجُ السَّفِيَانِيَّ وَ الْيَمَانِيَّ وَ الْخِرَاسَانِيَّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ، فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، وَ لَيْسَ فِيهَا رَايَةٌ بَاهِدِي مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيَّ، يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ؛^{۱۷۱}

سفیانی، یمانی و خراسانی در یک سال، یک ماه و یک روز خروج می کنند. در این میان پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست، که به سوی حق رهنمون می گردد.

۱۰. يَخْرُجُ عَلَيْهِمُ الْخِرَاسَانِيُّ وَ السَّفِيَانِيُّ، هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَ هَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ، يَسْتَبْقَانِ إِلَى الْكُوفَةِ كَفَرَسَى رَهَانَ؛^{۱۷۲}

سفیانی و خراسانی خروج می کنند، این از مشرق و آن از مغرب، همانند دو اسب مسابقه به سوی کوفه می شتابند.

سیمای کوفه در آستانه ظهور

نکات فراوانی پیرامون سیمای کوفه و جهان در آستانه ظهور آن امام نور بیان گردید، و اینک شماری از احادیث ناگفته را به صورت فشرده و در حد اشاره تقدیم خوانندگان گرامی می نماییم، به این امید که بر شور و شغف و شوق انتظارشان افزوده گردد:

۱. امام صادق (ع) فرمود:

لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ فِي أَقْلٍ مِنَ الْفِتَّةِ، وَ لَا تَكُونُ الْفِتَّةُ أَقْلٌ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ؛^{۱۷۳}

قائم (ع) با کمتر از یک «فتنه» خروج نمی کند و شمار یک فتنه کمتر از ده هزار نفر نمی شود.

۲. و در حدیث دیگری فرمود:

إِنَّ أَصْحَابَ الطَّالُوتِ ابْتَلَوْا بِالنَّهْرِ... وَ إِنْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ (ع) يُبْتَلُونَ بِمِثْلِ ذَلِكَ؛^{۱۷۴}

اصحاب طالوت به وسیله رودخانه ای آزمایش شدند... اصحاب قائم (ع) نیز چنین آزمونی

را در پیش دارند.

۳. رسول اکرم (ص) در این رابطه فرمود:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ وَلَدِي يَفْعَلُ مِثْلَ مَا فَعَلَ مُوسَى، عِنْدَ خُرُوجِهِ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْكُوفَةِ؛^{۱۷۵}

مهدی از فرزندان من، به هنگام عزیمت از مکه به سوی کوفه، همان کاری را انجام می دهد که حضرت موسی (ع) انجام داد.

۴. امام باقر (ع) می فرماید:

هِنَاكُمَا كَيْفَ قَائِمِ (ع) فِي مَكَّةَ قِيَامٌ يَكُونُ بِهِ سَوِيَّ كُوفَةَ عَزِيمَتِي كَيْفَ كُنْتُ، مُنَادِيًا نَادِيًا يَهْدِي:

أَلَا لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ مِنْكُمْ طَعَامًا وَ لَا شَرَابًا؛^{۱۷۶}

هرگز احدی از شما خوردنی و یانوشیدنی با خود بر ندارد.

همان سنگ حضرت موسی (ع) را که بار یک شتر است، با خود برمی دارند، در هر منزلی که فرود می آیند چشمه ای از آن جریان پیدا می کند، هر کس گرسنه باشد سیر می شود و هر کس تشنه باشد سیراب می گردد. و این تنها زاد و توشه آنهاست تا هنگامی که در پشت کوفه فرود آیند.

۵. آنگاه محل فرود و کیفیت فرود آن حضرت را در حدیث دیگری چنین می فرماید:

إِنَّهُ نَازَلَ فِي قِبَابٍ مِنْ نُورٍ، حِينَ يَنْزِلُ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ عَلَى الْفَارُوقِ؛^{۱۷۷}

او در هنگامه ظهور، در خیمه هایی از نور در ظهر کوفه در «فاروق» فرود می آید.^{۱۷۸}

۶. و در حدیث دیگری تعداد آن خیمه ها را هفت تعبیر کرده می فرماید:

يَنْزِلُ فِي سَبْعِ قِبَابٍ مِنْ نُورٍ، لَا يَعْلَمُ فِي أَيِّهَا هُوَ، حِينَ يَنْزِلُ فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ، فَهَذَا حِينَ يَنْزِلُ؛^{۱۷۹}

او در هفت خیمه از نور در پشت کوفه فرود می آید، معلوم نمی شود که او در کدامین خیمه

است، این به هنگام فرود آمدن می باشد.

۷. و در حدیث دیگری می فرماید:

كَانَتْ بِقَائِمِ اَهْلِ بَيْتِي قَدْ عَلَا نَجْفَكُمْ، فَاذَا عَلَا فَوْقَ نَجْفَكُمْ نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللّٰهِ (ص) فَاذَا نَشَرَهَا انْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ؛^{۱۸۰}

گویی قائم اهل بیت خود را با چشم خود می بینم که بر فراز نجف شما بر آمده است. چون بر فراز نجف بر آید پرچم پیامبر اکرم (ص) را باز می گشاید. هنگامی که آن را بگشاید فرشته های بدر بر او فرود آیند.

۸. امام صادق (ع) در این رابطه می فرماید:

كَانَتْ بِالْقَائِمِ عَلٰى ظَهْرِ النَّجْفِ، لَبَسَ دَرْعَ رَسُولِ اللّٰهِ (ص)... ثُمَّ يَنْشُرُ رَايَةَ رَسُولِ اللّٰهِ (ص) وَ هِيَ الْمَغْلَبَةُ... لَا يَهُوِي بِهَا اِلَى شَيْءٍ اِلَّا اَهْكَلْتَهُ... وَ اِذَا نَشَرَهَا اَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ؛^{۱۸۱}

گویی قائم (ع) را با چشم خود می بینم که در پشت کوفه، زره رسول خدا را پوشیده... پرچم رسول خدا را باز می گشاید، و آن پرچم همیشه پیروز است... با آن پرچم به سوی چیزی عزیمت نمی کند جز این که آن را شکست می دهد... هنگامی که آن را به اهتزاز در آورد مشرق و مغرب بانور آن روشن می شود.

در این حدیث که بسیار طولانی است و فقط فرازهایی از آن را آوردیم، به روشنی بیان شده که آن امام نور وسیله غلبه بر همه ابزار و ادوات جنگی را دارد، او هرگز از وسایل کشتار جمعی استفاده نمی کند، ولی همه وسایل کشتار جمعی را از کار می اندازد.

۹. امام باقر (ع) در این رابطه می فرماید:

كَانَتْ بِالْقَائِمِ (ع) عَلٰى نَجْفِ الْكُوفَةِ، قَدْ سَارَ اِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ الْاَلْفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، جِبْرِيْلُ عَنْ يَمِيْنِهِ وَ مِيكَائِيْلُ عَنْ شِمَالِهِ، وَ الْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَ هُوَ يَفْرُقُ الْجُنُودَ فِي الْبِلَادِ؛^{۱۸۲}

گویی قائم (ع) را با چشم خود در پشت کوفه می بینم که با پنج هزار فرشته از مکه به آن جا عزیمت نموده، جبرئیل از سوی راست و میکائیل در سمت چپ او و مؤمنان در پیشاپیش او قرار دارند و او سپاهیان اش را به کشورها گسیل می دارد.

از این حدیث شریف نیز استفاده می شود که کوفه پایتخت حکومتی، مقرر فرماندهی و ستاد نظامی آن حضرت است که با آن شکوه بی نظیر در طول قرون و اعصار، از مکه مکرمه به سوی کوفه تشریف فرما شده، سپاهیان اش را از آنجا به همه اقطار و اکناف جهان گسیل می دارد.

۱۰. امام صادق (ع) صحنه دیگری را این گونه

ترسیم می فرماید:

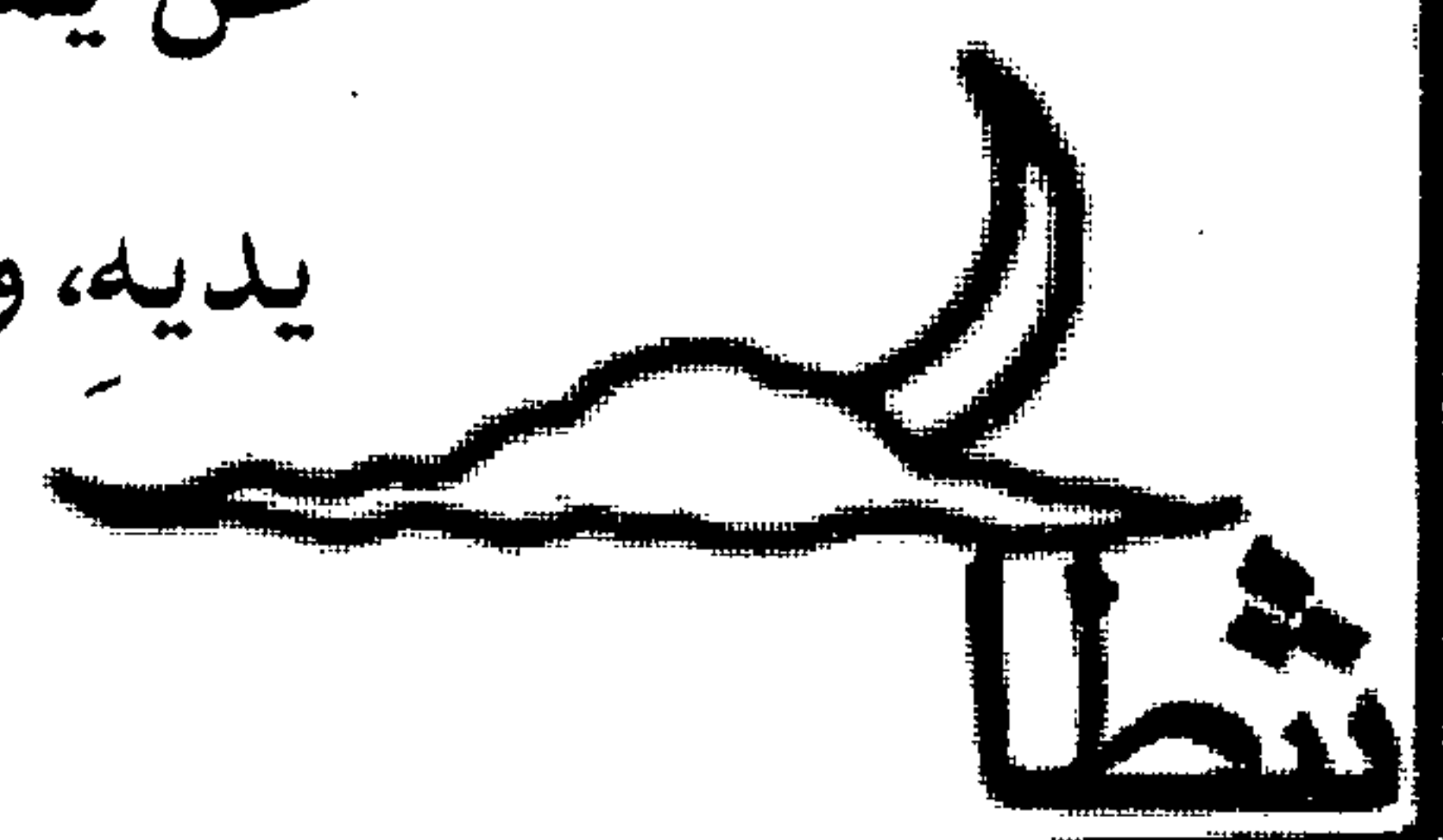
كَانَتْ اَنْظُرُ اِلَى الْقَائِمِ (ع) عَلٰى مَنْبِرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ اَصْحَابُهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ اَهْلِ بَدْرٍ، وَ هُمْ اَصْحَابُ الْاَلْوِيَةِ وَ هُمْ حَكَامُ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ عَلٰى خَلْقِهِ؛^{۱۸۳}

گویی قائم (ع) را با چشم خود می بینم که بر فراز منبر کوفه قرار دارد، و تعداد سیصد و سیزده تن یاران اش. به تعداد اصحاب بدر. در پیرامون او حلقه زده اند، که آن ها پرچم داران و زمامداران روی زمین هستند، از سوی پروردگار برای بندگان.

این حدیث شریف صریح است در این که سیصد و سیزده تن یاران خاص حضرت، فرماندهان کشوری و لشکری هستند و اصحاب حضرت به این ها اختصاص ندارد، چنان که در حدیث اول همین بخش از امام صادق (ع) نقل کردیم که حداقل اصحاب به هنگام عزیمت از مکه معظمه ده هزار نفر می باشند.

۱۱. امام عسکری (ع) در ضمن حدیثی در این

رابطه می فرماید:



ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفُقُ
فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ؛^{۱۸۴}

سپس ظاهر می شود، گویی با چشم خود
می بینم پرچم های سفیدی را که در نجف کوفه
بالای سرش در حال اهتزاز می باشد.

۱۲. امام باقر(ع) صحنه دیگری را این گونه
ترسیم می فرماید:

إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ وَ دَخَلَ الْكُوفَةَ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ
ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعِينَ أَلْفَ صَدِيقٍ، فَيَكُونُونَ فِي
أَصْحَابِهِ وَ انصَارَهُ؛^{۱۸۵}

هنگامی که قائم(ع) ظهور کند و داخل کوفه
شود، خداوند متعال تعداد هفتاد هزار نفر صدیق
از پشت کوفه برای او برانگیخته می کند تا در
میان یاران و یاوران آن حضرت قرار بگیرند.

این حدیث از احادیث رجعت می باشد و این هفتاد
هزار نفر از افراد با ایمانی هستند که در وادی السلام و
یا پیرامون حرم مولای متقیان آرمیده اند و به هنگام
ظهور حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - رجعت
می کنند.

۱۳. و در حدیث دیگری احتشام و شکوه بی نظیر
یاران را این گونه به تصویر می کشد:

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ(ع) وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ
الْخَافِقِينَ، فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ، حَتَّى
سَبَّاحُ الْأَرْضِ وَ سَبَّاحُ الطَّيْرِ، يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ
شَيْءٍ؛^{۱۸۶}

گویی اصحاب حضرت قائم(ع) را با چشم
خود می بینم که به آنچه در میان شرق و غرب
جهان است احاطه کرده اند، چیزی در جهان
نیست جز این که از آن ها فرمان می برند و
خشنودی آنان را در هر چیزی طلب می کنند،
حتی درندگان زمین و پرندگان آسمان.

در این حدیث بعد دیگری از ابعاد عظمت و شرف

یاران حضرت آشکار می شود.

۱۴. امام صادق(ع) در مقام بیان هویت اصحاب
خاص حضرت صاحب الزمان(ع) می فرماید:

وَ مِنَ الْكُوفَةِ أَرْبَعَةَ عَشَرَ رَجُلًا؛^{۱۸۷}

چهارده تن از آنها اهل کوفه هستند.

۱۵. در حدیث دیگری از امام زین العابدین(ع)
روایت شده که پنجاه تن از آنها از اهل کوفه هستند.^{۱۸۸}

۱۶. و در حدیث دیگری نام و نام پدر ۱۴ تن یاران
حضرت ولی عصر(ع) از اهل کوفه از امام صادق(ع)
به صراحت آمده است.^{۱۸۹}

۱۷. آنگاه امام باقر(ع) توان روحی آنان را چنین
شرح می دهد:

لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مُصْعِدِينَ مِنْ نَجْفِ الْكُوفَةِ
ثَلَاثِمِائَةً وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا، كَانَ قُلُوبُهُمْ زَبْرُ
الْحَدِيدِ، جَبْرَيْلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ،
يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُ شَهْرًا وَ خَلْفَهُ شَهْرًا؛^{۱۹۰}

گویی آنان را با چشم خود می بینم که از نجف
کوفه بالای روند، سیصد و ده و اندی نفر هستند،
دل های آنها همانند قطعات آهن است، جبرئیل
از سمت راست و میکائیل از سمت چپ آن
حضرت حرکت می کند، از جلو و پشت سر او،
رعب او به مسافت یک ماه، در دل های افتد.

۱۸. در حدیث دیگری تشریح می کند که حضرت
قائم(ع) هنگامی که ظهور می کند به «رحبه»ی
کوفه تشریف می آورد، نقطه ای را نشان می دهد و
دستور می دهد که آن جا را بکنند، از آنجا دوازده هزار
زره، دوازده هزار شمشیر، و دوازده هزار کلاه خود بیرون
می آورد، آنگاه دوازده هزار نفر از شیعیان را - از عرب
و عجم - فرا می خواند و آن ادوات جنگی را به آنها
می پوشاند.^{۱۹۱}

۱۹. در حدیث بسیار مفصلی امام صادق(ع)
توضیح می دهد که وجود مقدس حضرت بقیه الله

(ارواحنا فداه) پس از سیطره بر کل جهان، به سوی کوفه باز می‌گردد، قطعات شمش طلا از آسمان فرو می‌بارد، طلا و نقره و جواهرات در میان مردم توزیع می‌کند... و اعلام می‌کند که هر کس از یکی از شیعیان طلبی دارد به او مراجعه کند و طلب خود را دریافت نماید. ۱۹۲

۲۰. در حدیث دیگری در وصف آنان می‌فرماید:

قَدِ اثْرَ السَّجُودِ بِجِبَاهِهِمْ، لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ، رَهْبَانٌ بِاللَّيْلِ،
كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ
أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛ ۱۹۳

گویی آنان را در پشت کوفه می‌بینم که... آثار سجده در پیشانی آنان آشکار است، آنها شیران روز و راهبان شب هستند، گویی دل‌های شان قطعات آهن می‌باشد، به هر یک از آنها نیروی چهل مرد داده می‌شود.

صفحات محدود مجله به پایان رسید و ما سخنان ناگفته و دُرهای ناسفته فراوان پیرامون «پایتخت دولت کریمه» به ویژه در مورد اصلاحات و

تغییراتی که از نظر اسلوب کشورداری انجام می‌یابد؛ داریم، که امیدواریم در فرصت دیگری در این زمینه بیانات دُرربار معصومان (علیهم السلام) را تقدیم نماییم.

به امید روزی که این پایتخت دولت جهان شمول خاندان اهل بیت در پهن دشت گیتی گسترده شود و همه انسانها از رنج‌ها، فشارها، ستم‌ها، تشویش‌ها، و اضطراب‌ها رهایی یافته، برای نخستین بار عطر حکومت حَقَّةً مبتنی بر عدالت و آزادی واقعی را استشمام نموده، دیدگان رمدکشیده‌شان با دیدار آن جمال الهی منور گردد.

به امید آن روز.

در پایان یادآور می‌شویم که برای رعایت اختصار، از هر حدیثی فقط فرازی را در این گفتار ارائه دادیم و به جهت محدود بودن صفحات مجله، به اختلافات جزئی که معمولاً در منابع حدیثی هست اشاره نکردیم، ولی سعی کردیم که متن حدیث را مطابق اولین منبعی که در پی نوشت آمده ارائه دهیم.



۳۴. همان؛ دلائل الامامة، ص ۴۶۳؛ حلية الابرار، ج ۵، ص ۳۰۳.
۳۵. تفسير عياشى، ج ۲، ص ۱۶۵؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲؛ دلائل الامامة، ص ۴۶۳؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۶.
۳۶. مختصر البصائر، ص ۱۸۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۵.
۳۷. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۸؛ مختصر البصائر، ص ۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.
۳۸. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۴.
۳۹. سورة حجر (۱۵) آية ۳۸.
۴۰. از روستاهای رُحبه در حوالی کوفه [معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۶].
۴۱. سورة الرحمن، آیه ۶۲ - ۶۴.
۴۲. مختصر بصائر، ص ۲۷؛ تفسير برهان، ج ۵، ص ۴۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳.
۴۳. مختصر البصائر، ص ۱۹۰.
۴۴. الايقاظ من الهجعة، ص ۳۳۹؛ مختصر البصائر، ص ۲۱۲.
۴۵. تفسير البرهان، ج ۱۰، ص ۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴؛ الايقاظ من الهجعة، ص ۳۳۸؛ منتخب الانوار المضيئة، ص ۲۰۲؛ الرجعة، استرآبادی، ص ۳۳؛ مختصر البصائر، ص ۴۹.
۴۶. همان.
۴۷. تفسير برهان، ج ۲، ص ۴۰۸؛ رجعت يا دولت كريمة اهلبیت، ص ۱۹۰.
۴۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰؛ كزیده كفاية المهتدی، ص ۳۰۵.
۴۹. تفسير البرهان، ج ۸، ص ۴۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۶؛ الرجعة، ص ۱۸۸.
۵۰. الكافي، ج ۸، ص ۱۷۵؛ تفسير العياشى، ج ۳، ص ۳۷.
۵۱. مختصر البصائر، ص ۲۹؛ تفسير البرهان، ج ۷، ص ۳۷۶؛ الرجعة، ص ۶۱.
۵۲. الكافي، ج ۸، ص ۱۷۵؛ تفسير البرهان، ج ۶، ص ۵۱؛ حلية الابرار، ج ۵، ص ۴۲۴؛ تفسير العياشى، ج ۳، ص ۳۷؛ تفسير الصافي، ج ۴، ص ۳۸۸؛ مختصر البصائر، ص ۴۸؛ الرجعة، ص ۹۲.
۵۳. منتخب الانوار المضيئة، ص ۲۰۲؛ الايقاظ من الهجعة، ص ۳۳۸.
۵۴. تفسير البرهان، ج ۱۰، ص ۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴.
۵۵. به نامهای: حرقه، ام عمرو، و سلسله [تاريخ طبرى، ج ۳، ص ۱۱۴۶].
۵۶. تاريخ الطبرى، ج ۳، ص ۱۴۶؛ حوادث سال ۱۷ هـ.
۵۷. همان، ص ۱۴۸.
۵۸. همان، ص ۱۴۹.
۵۹. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۱.
۶۰. دائرة المعارف الاسلامية الشيعية، ج ۱۰، ص ۳۶.
۶۱. وقعة صفين، ص ۳.
۶۲. به نقل مرحوم آية الله سيد محمد شيرازى.
۶۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲.
۶۴. تهذيب الاحكام، ج ۳، ص ۲۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.
۶۵. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۷؛ منتخب الانوار المضيئة، ص ۱۹۰؛ كزیده كفاية المهتدی، ص ۳۰۴؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۱.
۶۶. غيبت طوسى، ص ۴۶۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۵؛ بحار الانوار،

۱. غيبت نعمانى، ص ۲۵۴.
۲. كمال الدين، ج ۲، ص ۶۵۰.
۳. سورة هود، آية ۸۶.
۴. اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲.
۵. غيبت نعمانى، ص ۳۱۳.
۶. تفسير عياشى، ج ۲، ص ۲۵۴.
۷. روزگار رهايی، ج ۲، ص ۱۰۶۹.
۸. دلائل الامامة، ص ۴۵۵.
۹. غيبت نعمانى، ص ۱۹۶.
۱۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.
۱۱. روزگار رهايی، ج ۲، ص ۴۶۱.
۱۲. وقعة صفين، ص ۳.
۱۳. از ۲۱ رمضان ۴۰ هـ تا ۲۵ ربيع الاول ۴۱ هـ.
۱۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱؛ حلية الابرار، ج ۵، ص ۳۸۴.
۱۵. كزیده كفاية المهتدی، ص ۲۸۷.
۱۶. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۹.
۱۷. اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۷؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ غيبت طوسى، ص ۴۶۹؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ منتخب الانوار المضيئة، ص ۱۹۱؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳.
۱۸. تفسير عياشى، ج ۱، ص ۱۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.
۱۹. همان.
۲۰. رُحبه در لغت به معنای پهن دشت، چمن زار، بستان، جاليز، تاكستان و سرزمین سبز و خرم می باشد، و «رُحبه» نام سرزمین های فراوان، از جمله نام محلی در یک منزلی کوفه بر کرانه رودخانه قادسیه می باشد. [لسان العرب، ج ۵، ص ۱۶۶؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۳].
۲۱. تفسير عياشى، ج ۱، ص ۱۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.
۲۲. تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۳۱؛ مزار شيخ مفيد، ص ۱۸؛ كامل الزيارات، ص ۳۰؛ المزار الكبير، ص ۱۱۳؛ مختصر البصائر، ص ۱۷۸؛ وسائل الشيعه، ج ۵، ص ۲۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۸؛ حلية الابرار، ج ۵، ص ۳۴۰.
۲۳. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۷.
۲۴. رسائل الشریف المرتضى، ج ۳، ص ۱۴۶.
۲۵. كمال الدين، ج ۲، ص ۳۵۸؛ مختصر البصائر، ص ۴۹۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۵ و ۱۴۸.
۲۶. غيبت طوسى، ص ۴۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۵.
۲۷. الايقاظ من الهجعة، ص ۳۶۲ - ۳۷۱.
۲۸. جزيرة خضراء، ص ۳۸ - ۴۶.
۲۹. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳؛ بيان الفرقان، ج ۵، ص ۲۷۵.
۳۰. الايقاظ من الهجعة، ص ۸۲.
۳۱. مجمع البيان، ج ۷، ص ۲۳۵.
۳۲. تفسير عياشى، ج ۱، ص ۳۱۸؛ تفسير برهان، ج ۲، ص ۴۳۴؛ تفسير صافي، ج ۲، ص ۷۲؛ مختصر البصائر، ص ۲۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۱.
۳۳. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶؛ تفسير عياشى، ج ۲، ص ۱۶۵؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۶.

- ج ۵۲، ۳۳۰.
۶۷. همان.
۶۸. الارشاد، ج ۲ ص ۳۸۰؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۷.
۶۹. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۲.
۷۰. دلائل الامامة، ص ۴۶۳؛ نوادر المعجزات، ص ۱۹۸.
۷۱. رجال الكشي، ص ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۳۸۹.
۷۲. غيبت طوسني، ص ۴۵۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۴؛ الأنوار المضيئة، ص ۱۹۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.
۷۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.
۷۴. غيبت طوسي، ص ۴۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.
۷۵. غيبت طوسي، ص ۴۷۴؛ دلائل الامامة، ص ۴۵۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.
۷۶. الفتن مروزي، ج ۲، ص ۶۱۲؛ الملاحم ابن المنادي، ص ۱۱۲، الفتن و الملاحم، ص ۵۶؛ معجم الملاحم و الفتن، ج ۴، ص ۲۹۱.
۷۷. دلائل الامامة، ص ۴۶۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳.
۷۸. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۱؛ غيبت طوسي، ص ۴۶۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۵؛ كشف الغم، ج ۲، ص ۴۶۵؛ الصراط المستقيم، ج ۲، ص ۲۵۳.
۷۹. سورة المؤمنون (۲۳)، آية ۵۰.
۸۰. التبيان، ج ۷، ص ۳۷۳.
۸۱. تفسير عياشي، ج ۳، ص ۱۳۴؛ معاني الأخبار، ص ۳۷۳؛ تفسير البرهان، ج ۷، ص ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۳۹؛ ج ۱۰۰، ص ۲۲۷.
۸۲. مزار شيخ مفيد، ص ۲۸؛ المزار الكبير، ص ۱۱۶؛ كامل الزيارات، ص ۴۸؛ تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۳۸؛ تفسير الصافي، ج ۵، ص ۱۸۲؛ تفسير البرهان، ج ۷، ص ۲۴؛ وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۴۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۱۷؛ ج ۱۰۰، ص ۲۲۸.
۸۳. تفسير القمي، ج ۲، ص ۹۱.
۸۴. مجمع البيان، ج ۷، ص ۱۷۲؛ كنز الدقائق، ج ۹، ص ۱۹۱.
۸۵. سورة التين (۹۵)، آيه های ۳-۱.
۸۶. تفسير الطبري، ج ۳۰، ص ۱۵۴؛ تفسير القرطبي، ج ۲۰، ص ۱۱۰؛ تفسير المراغي، ج ۳۰، ص ۱۹۴؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۵.
۸۷. همان.
۸۸. سورة المؤمنون (۲۳)، آية ۲۰.
۸۹. البقرة، ۶۳ و ۹۳؛ النساء، ۱۵۴؛ مريم، ۵۲؛ طه، ۸۰؛ المؤمنون، ۲۰؛ القصص، ۲۹ و ۴۶؛ الطور، ۱ و التين، ۲.
۹۰. تفسير الثعلبي، ج ۱۰، ص ۲۳۹.
۹۱. تفسير الطبري، ج ۳۰، ص ۱۵۴؛ تفسير القرطبي، ج ۲۰، ص ۱۱۰؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۵.
۹۲. الكافي، ج ۸، ص ۲۸۱؛ تفسير العياشي، ج ۲، ص ۳۱۱.
۹۳. التبيان، ج ۱۰، ص ۳۷۵؛ تفسير الطبري، ج ۳۰، ص ۱۵۵.
۹۴. معاني الأخبار، ۳۶۵؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۲۵؛ تفسير الصافي، ج ۷، ص ۵۱۲؛ تفسير كنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۳۴۰.
۹۵. تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۳۴؛ وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۳۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۰۵.
۹۶. سورة هود (۱۱)، آية ۴۴.
۹۷. قاموس كتاب مقدس، ص ۴۰، مادة «آرارات».
۹۸. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۷۹.
۹۹. قصص قرآن، ص ۳۴۸.
۱۰۰. دائرة المعارف الاسلامية، ج ۷، ص ۱۶۱.
۱۰۱. همان، ج ۴، ص ۲۴۹-۲۵۳.
۱۰۲. قاموس الاعلام، تركي، ج ۳، ص ۱۸۴۸.
۱۰۳. جغرافياي طبيعي آذربايجان، ص ۲۸.
۱۰۴. سرزمين های خلافت شرقي، لسترنج گاي، ص ۱۰۱.
۱۰۵. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۷۹.
۱۰۶. تفسير البرهان، ج ۵، ص ۱۴۶؛ تفسير العياشي، ج ۲، ص ۳۱۱.
۱۰۷. الكافي، ج ۸، ص ۲۳۵؛ تفسير العياشي، ج ۲، ص ۳۱۱؛ تفسير البرهان، ج ۵، ص ۱۴۵؛ تفسير الصافي، ج ۴، ص ۴۰.
۱۰۸. تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۳۱؛ مزار مفيد، ص ۱۸؛ المزار الكبير، ص ۱۱۳؛ روضة الواعظين، ج ۲، ص ۴۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۰.
۱۰۹. الكافي، ج ۴، ص ۵۸۶؛ الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۷؛ مزار مفيد، ص ۱۹؛ المزار الكبير، ص ۱۱۵؛ روضة الواعظين، ج ۲، ص ۴۱۰؛ وسائل الشيعه، ج ۵، ص ۲۵۶؛ تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۳۱؛ كامل الزيارات، ص ۲۹.
۱۱۰. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۶۱؛ النهاية، ج ۱، ص ۲۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۷۲؛ ج ۱۰۰، ص ۳۶۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۴.
۱۱۱. رجال كشي، ص ۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۳۸۶.
۱۱۲. روضة الواعظين، ج ۲، ص ۴۰۹.
۱۱۳. اثبات الوصية، ص ۲۳.
۱۱۴. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۲.
۱۱۵. كنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۰۱.
۱۱۶. تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۴۴؛ المزار الكبير، ص ۳۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۴.
۱۱۷. فرحة الغري، ص ۶۹؛ وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۳۸۷.
۱۱۸. الهداية، ص ۱۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۸.
۱۱۹. الكافي، ج ۱، ص ۳۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۴۹؛ ج ۶۱، ص ۴۶.
۱۲۰. خصائص الأئمة، ص ۱۱۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۳ و ۲۶۴.
۱۲۱. العقد الفريد، ج ۶، ص ۱۳۷؛ النهاية، ج ۳، ص ۲۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۴۲۸؛ ديوان امير المؤمنين، ص ۱۱۱.
۱۲۲. تاريخ قم، ص ۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۵.
۱۲۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶؛ ج ۱۰۰، ص ۳۸۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۵.
۱۲۴. تاريخ قم، ص ۹۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۵.
۱۲۵. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶؛ ج ۱۰۰، ص ۳۸۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۶۴.
۱۲۶. عيون الأخبار، ج ۲، ص ۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۲.
۱۲۷. تاريخ قم، ص ۹۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۵.
۱۲۸. همان؛ بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴.

۱۲۹. اقبال الاعمال، ص ۴۶۵؛ تاریخ قم، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۲۷ ص ۲۶۲؛ ج ۶۰، ص ۲۱۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۴.
۱۳۰. تاریخ الكوفة، ص ۶۳.
۱۳۱. همان.
۱۳۲. تاریخ قم، ص ۹۷؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۳؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶.
۱۳۳. امالی شیخ طوسی، ص ۶۷۲؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۸۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۲.
۱۳۴. الكافی، ج ۴، ص ۵۶۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۲؛ جامع الاخبار، ص ۶۹؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۰۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۶۰.
۱۳۵. تاریخ الكوفة، ص ۶۳.
۱۳۶. وقعة صفین، ص ۱۲۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۲۵؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۷۷؛ ج ۱۰۰، ص ۲۲۷.
۱۳۷. فرحة الغری، ص ۲۲؛ موسوعة العتبات المقدسه، ج ۶، ص ۷۱.
۱۳۸. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۷۷.
۱۳۹. سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۸۵.
۱۴۰. اثبات الوصیة، ص ۱۴ و ۱۳۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲ و ۳۴؛ فرحة الغری، ص ۴۸؛ الهدیة، ص ۱۱؛ الجعفریات، ص ۲۰۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۸۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۱۴؛ ج ۱۰، ص ۲۱۹.
۱۴۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۰؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۴۹؛ ج ۱۰۰، ص ۲۳۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶؛ جنات ثمانية، ص ۳۰۲.
۱۴۲. موسوعة العتبات المقدسه، ج ۶، ص ۸۰؛ فرحة الغری، ص ۴۵.
۱۴۳. الكافی، ج ۴، ص ۱۹۷؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۸۵ و ۲۰۹؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۲۲؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲۶.
۱۴۴. در مورد «جبل السلام»، «دارالسلام» و «وادی السلام» ان شاء الله در شماره های آینده سخن خواهیم گفت.
۱۴۵. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۷؛ الكافی، ج ۸، ص ۲۳۵؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۳؛ ج ۱۰۰، ص ۳۸۶.
۱۴۶. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۷؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۱۱؛ فرحة الغری، ص ۷۱.
۱۴۷. امالی شیخ مفید، ص ۱۴۲؛ کامل الزیارات، ص ۱۶۷؛ ثواب الأعمال، ص ۱۱۴؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۱۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۱۲؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۸۱؛ ج ۶۰، ص ۲۰۹؛ ج ۱۰۱، ص ۱۴۰؛ بصائر الدرجات، ص ۹۷.
۱۴۸. مصباح المتهجد، ص ۶۸۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۴؛ مصباح الزائر، ص ۵۴؛ اقبال الاعمال، ص ۴۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۹.
۱۴۹. وقعة صفین، ص ۱۱۴؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۴۰۵.
۱۵۰. الكافی، ج ۶، ص ۴۹۸؛ الفقیه، ج ۱، ص ۶۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۳؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۰۳.
۱۵۱. تاریخ قم، ص ۹۳؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸؛ کریمه اهل بیت، ص ۴۳۲.
۱۵۲. نهج البلاغه، بخش نامه ها، نامه شماره ۱؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۸۴.

۱۵۳. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۷؛ غیبت طوسی، ص ۴۵۱؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۴؛ منتخب الأنوار المضية، ص ۳۵؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۴؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۱؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۰؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۴۲.
۱۵۴. الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸.
۱۵۵. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۵۲؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۸۳.
۱۵۶. مستدرک الصّحیحین، ج ۴، ص ۴۶۲.
۱۵۷. غیبت طوسی، ص ۴۴۸؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱.
۱۵۸. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۷؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۰.
۱۵۹. غیبت طوسی، ص ۴۴۶؛ غیبت نعمانی، ص ۲۷۷؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۵؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۳؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۹؛ اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.
۱۶۰. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴؛ غیبت طوسی، ص ۴۴۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹.
۱۶۱. الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸.
۱۶۲. همان، ص ۲۵۹.
۱۶۳. الیقین، ص ۴۲۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹.
۱۶۴. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴۰۲؛ الاختصاص، ص ۲۵۶؛ غیبت نعمانی، ص ۲۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۹.
۱۶۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳؛ ج ۵۳، ص ۸۳.
۱۶۶. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.
۱۶۷. غیبت طوسی، ص ۴۶۴؛ عقد الدرر، ص ۴۶؛ سنن الدانی، ص ۷۸؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.
۱۶۸. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.
۱۶۹. خطبة البیان، ج ۲، ص ۶۵۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.
۱۷۰. غیبت طوسی، ص ۴۵۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۸؛ عقد الدرر، ص ۱۲۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۹؛ البرهان، متقی هندی، ص ۱۵۰؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.
۱۷۱. غیبت طوسی، ص ۴۴۶؛ غیبت نعمانی، ص ۲۵۵؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۵؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۴؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۳.
۱۷۲. غیبت نعمانی، ص ۲۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.
۱۷۳. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵۳.
۱۷۴. غیبت نعمانی، ص ۳۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.
۱۷۵. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۱۲.
۱۷۶. الكافی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ غیبت نعمانی، ص ۲۳۸؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۰؛ منتخب الأنوار المضية، ص ۱۹۹؛ گزیده کفایةالمهتدی، ص ۲۹۶؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۵؛ ج ۵۲، ص ۳۳۵ و ۳۵۱.
۱۷۷. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۱۵؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۷۵؛ تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۱۶۱.
۱۷۸. فیض کاشانی «فاروق» را چنین معنی کرده: «شاید منظور این باشد که آن حضرت با چیزی نازل می شود که به وسیله آن بین حق و باطل فرق می گذارد» [الصافی: ۳۷۵/۱] ولی به این توجیه

- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۷۲.
۱۸۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹؛ کفایة الاثر، ص ۲۹۶؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۵۳؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰.
۱۸۵. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴.
۱۸۶. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷؛ حلیة الابرار، ج ۵، ص ۴۱۷.
۱۸۷. دلائل الامامة، ص ۵۵۸؛ الملاحم و الفتن، ص ۲۰۲؛ المحجة، ص ۲۸.
۱۸۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.
۱۸۹. دلائل الامامة، ص ۵۷۳؛ المحجة، ص ۴۴.
۱۹۰. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.
۱۹۱. الاختصاص، ص ۳۳۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۷.
۱۹۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۴.
۱۹۳. منتخب الانوار المضيئة، ص ۱۹۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

- نیازی نیست، زیرا «فاروق» نام محلی در سرزمین نجف می باشد، چنان که در مورد سپاه سفیانی آمده است: «صد و سی هزار نفر به سوی کوفه می فرستد که در «رَوْحَا» و «فاروق» فرود می آیند و شصت هزار نفرشان به سوی کوفه می روند...» [بحار: ۸۳/۵۳].
۱۷۹. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۱۴؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۷۵؛ تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۱۶۱.
۱۸۰. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۱۴؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۷۵؛ منتخب الانوار المضيئة، ص ۱۹۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.
۱۸۱. دلائل الامامة، ص ۴۵۷.
۱۸۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۷؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.
۱۸۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲؛ منتخب الانوار المضيئة، ص ۱۹۸؛

